D۸

توانا بود هر که دانا بود

وزارت فرهنگ

کتاب دوم ابتدائی

۱۳۳۳

شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء

۲- صفحهٔ اول را شمرده و بلند بخوانید .

۳- این کلمه‌ها را پنج[1] بار در دفتر خود بنویسید : خدا را شکر - خواندن - نوشتن

خواهیم توانست بهتر بنویسیم - بهتر بخوانیم - حساب کردن - هنرهای

تازه یاد بگیریم - آموزگار - پدر - مادر - خشنود

۴- از روی این سطر ده بار در دفتر خود بنویسید :

خدا را شکر که ما بکلاس دوم آمدیم .

۵- این شکلها را بکشید :

گندم - آرد - نان

در فصل پائیز زمین را شخم میکنند و گندم میکارند .

نانِ خوب از گندم است .

---

(۱) - آموزگاران کلمات را با خط درشت و خوب روی تخته سیاه خواهند نوشت .

بسم الله الرحمن الرحیم

نخستین روز درس

خدا را شکر که همه ما بکلاس دُوُم آمده ایم. در کلاسِ اَوّل خواندن و نوشتن و کمی حساب یاد گرفتیم.

امسال که بکلاس دُوُم آمده ایم خواهیم توانست بهتر بخوانیم و بهتر بنویسیم و هُنرهای تازه یاد بگیریم.

در این راه آنقدر کوشش خواهیم کرد تا آموزگار و پدر و مادر را از خود خشنود کنیم.

۱ـ در کلاس اوّل چه یاد گرفتید؟ ـ در کلاس دوّم چه یاد خواهید گرفت؟ ـ کدام یک از شما میتواند این درس را شمرده و بلند بخواند؟ ـ کی میتواند سرود بخواند؟

از کاه جدا میسازند .

سؤال : ۱- در تصویر اول این درس چه می بینید ؟ ۲- نام دو حیوان بزرگ که در این شکل است چیست ؟ ۳- دنبال آنها کیست و در دستهای او چیست ؟ ۴- مرد دیگر که در سمت راست شکل دیده میشود چه میکند ؟ ۵- در شکل یک خانه هم هست در دو طرف خانه چیست ؟- ۶- چرا زمین زیر پای مردی که تخم میپاشد صاف است ؟ ۷- چند کوه می بینید ؟ ۸- بالای کوهها چه دیده میشود ؟ ۹- شکلهای اول و دوم این درس هر دو مال یک مزرعه میباشند میتوانید بگوئید چه فرق باهم دارند ؟ ۱۰- در شکل اول زمین را شخم میکنند و تخم میپاشند ؛ در شکل دوم چه دیده میشود ؟ ۱۱- آیا چیزی مانند داس در آسمان دیده اید ؟

تکلیف : ازروی این کلمه ها پنج بار در دفتر خود با خط خوب بنویسید (*)

فصل پائیز شخم میکنند گندم برزگر دهقان

میکارد دروگر خرمن میکوبند

(*) آموزگاران این کلمات را قبلاً با خط درشت خوب روی تخته سیاه بنویسند .

برزگران گندم میکارند
تا نان مردم فراهم
شود . ما برزگران
را دوست میداریم
آیا میتوانید بگوئید
گندم در چه فصل میرسد و آنرا درو میکنند ؟

دروگر گندم
رسیده را با داس
درو میکند .
دهقانان(۱) گندم
درو شده را خرمن میکنند و میکوبند . پس از کوبیدن دانه های گندم را

(۱) برزگران.

میز چند بشقاب است ؟ چند گیلاس آبخوری است ؟ چند کارد؟ چند چنگال ؟ چند قاشق ؟ دور میز چند صندلی است ؟ بر رویهم روی میز چند کارد و قاشق و چنگال است ؟ همه را روی یک برگ کاغذ زیرهم بنویسید اینطور :

بشقاب	۱۲
چنگال	...
...	...

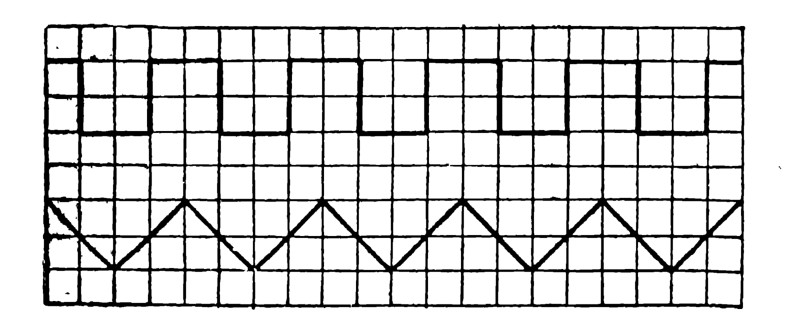
۲ـ پرویز در دبستان کاغذی بمنوچهر نشان داد که رویش نوشته بود

۷۸ ۶۹ ۴۷ ۳۳ ۲۱ ۱۲

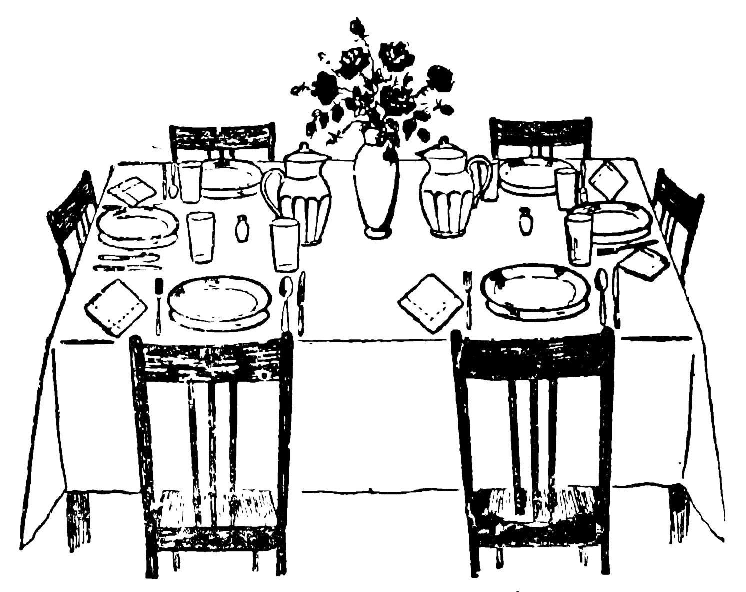
و گفت بخوان ـ منوچهر خواند : دوازده . بیست و یک . چهل و هفت . نود و شش . هفتاد و هشت در خواندن چه اشتباهی کرد ؟

گندم ـ آرد ـ نان (بقیه)

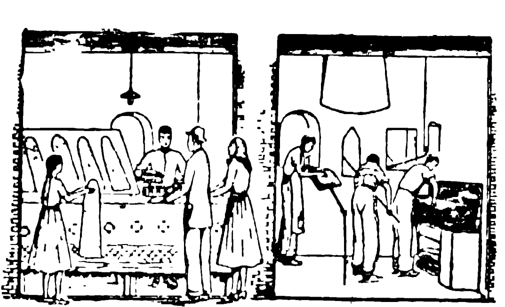
رسم : از روی این شکلها روی کاغذ شطرنجی بکشید



درس حساب



۱ ــ باین شکل نگاه کنید میز ناهارخوری را اینطور باید حساب رو



چهار کارگر دارد :
یکی خمیر میکند ، یکی
تنور را گرم میکند ،
یکی نان میپزد . چهارمی هم نان را میفروشد .

حالا میتوانید بگوئید چه کسانی کار میکنند تا نانی که ما میخوریم فراهم شود ؟

سؤال :

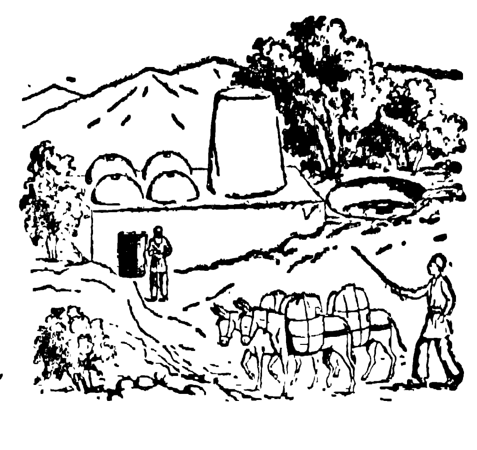
۱ - در تصویر اول این درس چه می بینید ؟ ۲ - در پائین تصویر چند الاغ می بینید ؟ ۳ - گندم را کجا می‌برند
میکنند ؟ ۴ - آن آدم ریش سفید که جلو در آسیا ایستاده است کی است ؟ ۵ - آیا جوی آب در این
شکل می بینید ؟ ۶ - آب این جوی کجا میریزد ؟ لابد میدانید که این آب برای چرخانیدن سنگ
آسیا بکار میرود و با چرخیدن سنگ آسیا گندم آرد میشود .

۷ - در سمت راست شکل دوم این درس چند کارگر کار میکنند ؟ هریک از آنها چه میکنند ؟ ۸ - سمت
چپ شکل چه قسمت از دکان نانوائی است ؟ ۹ - این دفعه که برای خریدن نان بدکان نانوائی
میروید ببینید آن دکان چند کارگر دارد ؟

تکلیف : از روی این جمله ها پنج بار در دفتر خود خوب بنویسید (*)

(*) آموزگاران این جمله ها را با خط درشت خوب روی تخته سیاه بنویسند .

آرد



مشهدی حسن آسیابان

دِه ما است .

او گندمهای مردم

را در آسیای خود آرد

میکند .

مشهدی حسن با آنکه پیر است کار میکند . او زحمت میکشد و آرد خوب

تهیّه(1) میکند تا نان ما خوب باشد . ما هم او را دوست میداریم و با او

کومک میکنیم .

جلو خانهٔ احمد یک دکّانِ نانوائی است . در دکّان نانوائی

آرد را خمیر میکنند و در تنور میپزند .

پهلوی دبستان ما هم یک دکّان نانوائی هست . این دکّان

(1) - تهیه کردن یعنی فراهم کردن

۵- عددهای از ۱ تا ۳۴ رابنویسید و آنها را یک درمیان بخوانید.

۶- عددهای از ۱۱ تا ۲۷ را یک درمیان بنویسید.

۷- عددهای هر یک از این دو سطر چطور نوشته شده است؟

۲۱	۲۰	۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰
۳۵	۳۳	۳۱	۲۹	۲۷	۲۵	۲۳

فریدون

فریدون مهربان است — عزیز کودکان است
بنرمی میزند حرف — همیشه خوش زبان است
بهر جا کودکانند — فریدون درمیان است
همیشه گرم و خوشرو است — دهانش خنده دان است
فریدون نیست ترسو — خودش یک پهلوان است
نمیگوید مگر راست — که حرفش در همان است

گندم را آرد میکنند . آرد را خمیر میکنند . تنور را گرم میکنند .
خمیر را پهن میکنند و در تنور میزنند . نان میشود . نان را میفروشند

درس حساب

۱- در این شکل چند مهره است ؟ چند مهرهٔ سیاه و چند مهرهٔ سفید
است ؟ می بینید که میان هر دو مهرهٔ سیاه یک مهرهٔ سفید است
پس میان هر دو مهرهٔ سفید چه مهره ای خواهد بود ؟
مهره های سفید و سیاه را یک در میان گذاشته ایم .
۲- در کلاس درس شما میز و نیمکتها را یک در میان گذاشته اند .
۳- از روی دفتر کلاس اسم شاگردان را یک در میان بخوانید .
۴- روزهای هفته از شنبه تا پنجشنبه را یک در میان نام ببرید .

حسن گفت پس یک کیلو شیر گوسفند بدهید

۱ـ سؤال : مادر حسن او را برای چه ببازار فرستاد ؟ حسن چه با خود برد ؟ شیرفروش با او چه گفت ؟ حسن چه فکر کرد که گفت بجای شیر گاو شیر گوسفند بدهید ؟ آیا فکر او درست بود ؟

۱ـ وقتیکه میخواهید از بازار شیر بخرید نباید ظرف دهن گشاد مثل کاسه و بادیه ببرید زیرا شیر با اندک حرکت از کاسه بیرون میریزد : برای بردن شیر و چیزهای آبکی ظرف دهان تنگ مثل شیردان و سبو باید بکار برد .

۲ـ از روی این شکلها روی کاغذ شطرنجی بکشید

درس حساب

۱ـ دست راست و پای چپ خود را بلند کنید .

۲ـ برای نوشتن قلم را بکدام دست خود میگیرید ؟

۳ـ در وقت راه رفتن دست چپ شما با پای راست حرکت

از روی این سرمشق ده سطر بنویسید :

نمیگویم مگر راست

کاردستی : یک صفحه کاغذ را که باین شکل باشد

اینطور تا کنید و بعد دو قسمت رو بهم افتاده را

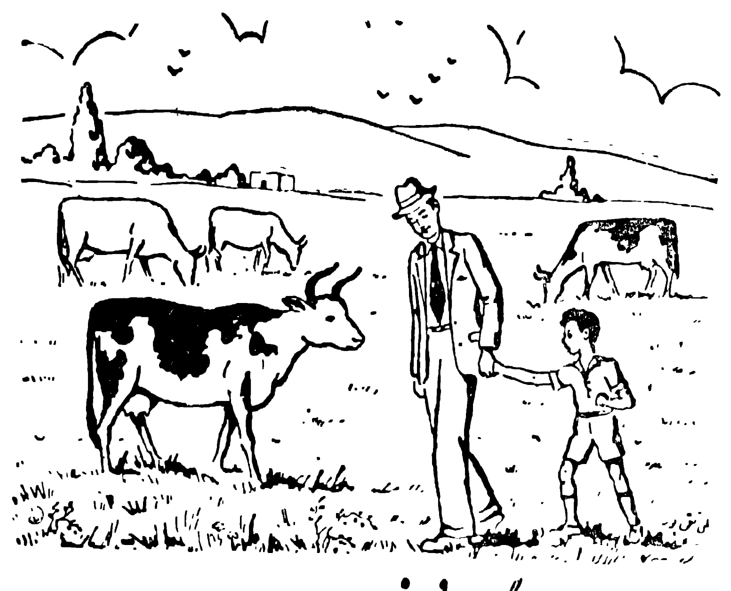
با قیچی از قسمت دیگر جدا کنید و تا را باز کنید این شکل

بدست خواهد آمد که آنرا مُرَبَّع میگویند .

برای خنده

روزی مادر حسن او را برای خریدن شیر ببازار فرستاد . حسن ظرف کوچکی برداشت و بمغازهٔ شیرفروشی رفت و از شیرفروش یک کیلو شیر گاو خواست .

شیرفروش گفت این ظرف که آورده ای کوچک است و یک کیلو شیر گاو نمیگیرد .



گاو پُرفایده است

پرویز - پدرجان ! من از این گاو میترسم . شاخهای بلندش را نگاه کن ! چشمهایش را ببین ! الآن میخواهد بما شاخ بِزَنَد !

پدر - پرویز جان نترس گاو حیوان نجیب وخوبی است ، برای ما بسیار فایده دارد .

پرویز - پدرجان گاو چه فایده هائی دارد ؟

میکند و دست راست شما با پای چپ . راه بروید و ببینید آیا همینطور

است ؟

۴- روی نیمکتی که نشسته اید چند نفر طرف راست و چند نفر طرف

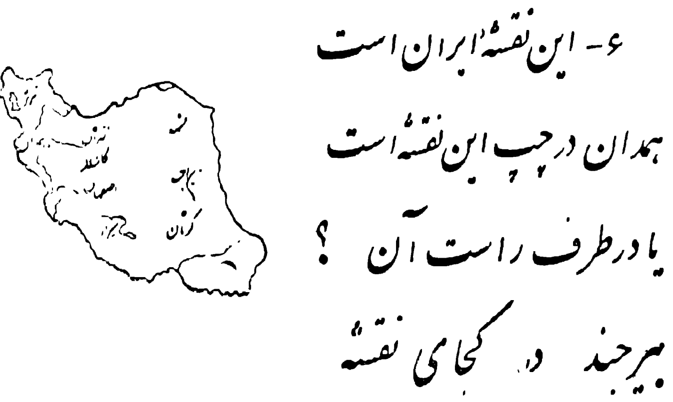
چپ شما نشسته اند ؟

۵- روی تخته و روی کاغذ خط فارسی را از طرف راست

بطرف چپ مینویسیم و حساب را از چپ براست - حالا بگوئید وقتی

رو بتخته میایستید طرف راست تخته مقابل کدام دست شما میشود ؟

۶- این نقشهٔ ایران است



همدان در چپ این نقشه است

یا در طرف راست آن ؟

بیرجند در کجای نقشه

است ؟

درس حساب

۱- چیتِ متری ۱۳ ریال گرانتر است یا چیتِ متری ۱۵ ریال؟

۲- ۳۷ بزرگتر است یا ۷۳ ؟ ۹۱ کوچکتر است یا ۸۷ ؟

۳-

کدام کوچکتر است؟			کدام بزرگتر است؟		
۱۲	یا	۲۵ ؟	۴۹	یا	۷۵ ؟
۴۰	یا	۳۶ ؟	۲۱	یا	۱۷ ؟
۷۹	یا	۸۳ ؟	۵۰	یا	۳۹ ؟
۴۹	یا	۶۰ ؟	۹۱	یا	۸۹ ؟

۴- کلاسِ اوّل دبستانی ۳۲ شاگرد دارد وکلاس دوم آن ۴۱ شاگرد وکلاس سومش ۲۹ شاگرد کدام کلاس ازهمه بیشتر وکدام ازهمه کمتر شاگرد دارد؟

۵- سهراب وزهرا هریک یک دفترچهٔ ۴۰ برگی دارند سهراب ۲۵ صفحه از دفترچهٔ خود را نوشته است وزهرا ۱۹ صفحه که بیشتر نوشته است؟ دفترچهٔ کدام بیشتر صفحهٔ سفید دارد؟

۶- حسن وتقی هریک ۱۲ مشق نوشته بودند حسن ۲ مشق دیگر وتقی ۵ مشق دیگر نوشت حالا کدام بیشتر نوشته‌اند؟

پدر – فایده های گاو بسیار است مثلاً گاو ماده شیر میدهد ، ما از شیرش کره میگیریم و ماست و پنیر و کشک هم درست میکنیم . از پوست گاو چرم میسازیم و از چرم کفش درست میکنیم . گوشت گاو را هم مردم میخورند . گاو نر هم برای شخم کردن زمین بکار میرود .

پرسش و تکلیف

۱– پرویز به پدرش چه گفت ؟ گاو برای ما چه فایده دارد ؟ در شکل اول کتاب گاوها چه میکنند ؟ گاو ماده بما چه میدهد ؟

۲– روی شکل این درس نگاه کنید و آنچه می بینید تعریف کنید .

۳– این کلمه ها و جمله ها را یکبار روی تخته سیاه و پنج بار در دفتر خود بنویسید : (*)

کشک ، کره ، ماست ، پنیر ، روغن ، سرشیر و خامه را از شیر میگیرند

۴– از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

گاوان و خران باربردار به ز آدمیان مردم آزار

(*) آموزگار این کلمات را قبلاً با خط درشت خوب روی تخته سیاه بنویسد .

عبدالرحیم - اسدالله - فضل‌الله - عبدالعلی - عبدالرضا

ابوالقاسم آزار میکرد (حالا نمیکند) گوش بنصیحت نمیداد (حالا میدهد) دُم سگ را گرفت (حالا نمیگیرد)

آتش روی خاکستر

مردی دانشمند در اطاق خود مشغول کتاب خواندن بود. شنید در میزنند؛ رفت در را باز کرد؛ دختر همسایه وارد شد و آتش خواست. مرد گفت بیا ببر. تا آنرا در چه خواهی ریخت؟ صبر کن ظرفی بیاورم. دختر گفت راضی بزحمت شما نیستم؛ میدانم چگونه ببرم.

دانشمند با کمال تعجب گفت ببینم چطور میبری؟

دختر قدری خاکستر سرد کف دست خود ریخت و چند گل آتش روی خاکستر گذاشت و با ادب گفت: اینطور! و بار وی

حیوانات را نباید آزار کرد

ابوالقاسم بچه ای بازیگوش بود. و حیوانات را آزار میکرد. هرچه پدر و مادر و همسایگان او را از این کار باز میداشتند نصیحت میکردند گوش نمیداد.

روزی ابوالقاسم آهسته از عقب سگ همسایه آمد و دُم او را کشید. سگ ناگهان پرید و پای ابوالقاسم را دندان گرفت و بشدّت زخم کرد. از این پیش آمد ابوالقاسم بیمار شد و مدّتی در رختخواب خوابید تا بهبود یافت. از آن پس توبه کرد که دیگر بحیوانات آزار نرساند.

۱- ابوالقاسم چطور بچه ای بود؟ مردم با بوالقاسم چه می گفتند؟ او با سگ چه کرد؟ سگ با او چه کرد؟

۲- این حکایت را بزبان سادهٔ خودتان بگوئید.

۳- این کلمه ها را هم پنج بار در دفتر خود بنویسید: ابوالحسن - عبدالله - عبدالحسین

از ۴۵ بشمارید تا ۱۰ . از ۶۲ بشمارید تا ۳۴

۳- صفحه های کتاب خود تانرا تا صفحهٔ ۴۰ دوتا دوتا بشمارید

۴- منوچهر ۲۵ بادام داشت پس از آنکه ۷ بادام را دادانه دانه شمرد باقی را دوتا دوتا شمرد- میتوانید شما هم مثل او بشمارید؟

۵- ببینید از ۱۱ تا ۳۹ را یک درمیان درست نوشته ایم؟

۱۱ ۱۳ ۱۵ ۱۹ ۲۱ ۲۵ ۲۷ ۳۰ ۳۳ ۳۷

دهان

. با دهان خود غذا میخوریم وحرف میزنیم شیرینی و تُرشی وشوری غذاها را با دهان وزبان حس میکنیم . غذا را باید در دهان خوب جَوید .

خندان خداحافظی کرد و رفت .

۱- این کلمه‌ها را ده بار در دفتر خودتان بنویسید :

مَردِ دانشمند مشغول صبرکُن تعجب خداحافظ ظرف

۲- سرمشق از روی این سرمشق ده بار با مداد بنویسید :

راضی برحمت شما نیستم

درس حساب

۱- در این شکل چند مُهره می‌بینید ؟

آنهارا دوتا دوتا بشمارید و با نوک مداد نشان بدهید و بگوئید : ۲ ، ۴ ، ۶ ... یک دفعه هم آنهارا سه تا سه تا بشمارید .

۲- از ۱۹ بشمارید تا به ۱ برسید از ۳۲ بشمارید تا به ۱۶ برسید

- - غذا را چگونه باید جوید ؟ اگر غذا را نجویم چه میشود ؟

۳ - فتح الله چه عادت بدی داشت ؟ چه طور غذا میخورد ؟

چرا او را پیش طبیب بردند ؟ طبیب چه گفت ؟ با خود چه عهد کرد ؟

۴ - راست بایستید . شمرده حکایت فتح الله را با زبان ساده بگوئید .

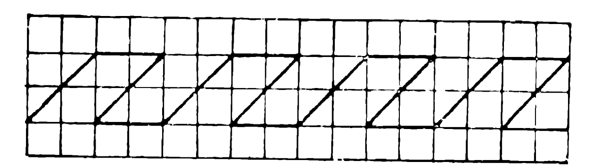
۵ - کلمه های زیر را پنج بار با مداد بنویسید . روی خط بنویسید . دندانه ها را ببینید و بعد همانطور بگذارید . نقطه ها را سر جای خودشان بگذارید :

فتح الله . شیرین . ترش . شور . حس میکنیم . طبیب .

پزشک . مریض . نمیشود . غذا خوردن

۶ - دو بار درس را با خط خوب بنویسید . نقطه ها و دندانه ها و سرکشها را درست سر جایشان بگذارید .

۷ - رسم : از روی این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید .



۸ - سرگرمی : شب با سایهٔ دست خود شکل گرگ روی دیوار درست کنید :

بچه هائی که غذا را با آرامی میجوند کمتر مریض میشوند .

فتح الله عادت داشت که غذا را تند تند بخورد و بهمین سبب همیشه لاغر و رنجور بود . یک روز دلش سخت درد گرفت مادرش اورا پیش طبیب برد طبیب باو دوا داد و گفت چون فتح الله تند تند غذا میخورد و هرچه میخورد خوب نمیجود اینطور مریض میشود حالا باید چند روز این دواها را بخورد تا خوب شود .

فتح الله وقتی حالش خوب شد عهد کرد که دیگر غذا را نجویده فرو نبرد و در خوردن غذا شتاب نکند .

در موقع غذا خوردن دهان بچه های با تربیت صدا نمیکند و وقتی غذا میجوند دهان خود را می بندند و پس از غذا خوردن دهان و دندانهای خود را میشویند .

۱- با دهان چه کار میکنیم ؟ مزهٔ غذاها را با چه حس میکنیم ؟

ب - ۳۰ ریال چند ریال بیشتر از ۲۰ ریال است؟ ۵۰ و ۱۰
میشود چند؟ ۳۰ چند تا ۱۰ است؟ ۸۴ یعنی ۸۰ و چند؟
۴۸ یعنی ۸ و چند؟

۷ - ۱۰ تا ۱۰ تا بشمارید تا ۱۰۰

دندان

فریدون پسری باهوش است. یک روز از پدر خود که دندانساز بود پرسید چطور دندان بعضی از بچه‌ها درد میگیرد؟ آیا دندانشان را کرم میخورد؟ پدرش خندید و گفت در دهان کرم نیست و کرم دندان را نمیخورد اما بعضی از بچه‌ها خیال میکنند که با دندان کار قندشکن و چکش میشود کرد. این بچه‌ها با دندان خود بادام و پسته و چیزهای سخت را میشکنند و دندانشان ترک برمیدارد و کم کم فاسد و سیاه میشود و درد میگیرد: میگویند



درس حساب

۱- منوچهر ۷ مداد دارد و پرویز ۵ مداد کدام بیشتر دارند ؟

۲- احمد ۱۰ ریال در قلک خود داشت ، امروز ۳ ریال دیگر در قلک خود ریخت ، حالا چند ریال در قلک اوست ؟

۳- ۱۳ ریال یعنی ۱۰ ریال و چند ریال ؟ ۱۰ بادام و چند بادام میشود ۱۸ بادام ؟

۴- ۱۷ گردو بیشتر است یا ۲۱ گردو ؟

۵- احمد ۱۰ ریال داشت ۱۰ ریال دیگر هم پدرش باو داد حالا چند ریال دارد ؟

مادرش جواب داد از روی ساعت وقت را معلوم میکنیم.
مثلاً پدرت باید ساعت ۸ بسر کار خود برود؛ تو هم باید ساعت
۸ در دبستان باشی؛ من باید برای ساعت ۱۲ که ظهر میشود
غذا حاضر کنم؛ هرکس باید وقت کار خود را بداند. منوچهر
پرسید: چطور از روی ساعت وقت را می فهمند؟ مادرش
جواب داد: این دو عقربه را که می بینی یکی بلندتر و یکی کوتاه
تر است؛ هر وقت عقربهٔ بلند روی عدد ۱۲ باشد اگر عقربهٔ کوتاه
روی عدد ۸ باشد ساعت ۸ است و اگر عقربهٔ کوتاه روی ۳ باشد
ساعت ۳ است و اگر عقربهٔ کوتاه هم روی ۱۲ باشد ساعت ۱۲ است

که دندان کِرم خورده است .

اگر با غذای گَرم آب بسیار سرد بنوشیم باز هم دندان فاسد میشود

و درد میگیرد .

سؤال : ۱- چرا دندان بعضی بچه ها درد میگیرد ؟

۲- آیا چای داغ و آب سرد را پشت سرهم مینوشید ؟ اگر بنوشید چه ضرر دارد ؟

۳- بادام و پسته و فندق را با چه میشکنند ؟

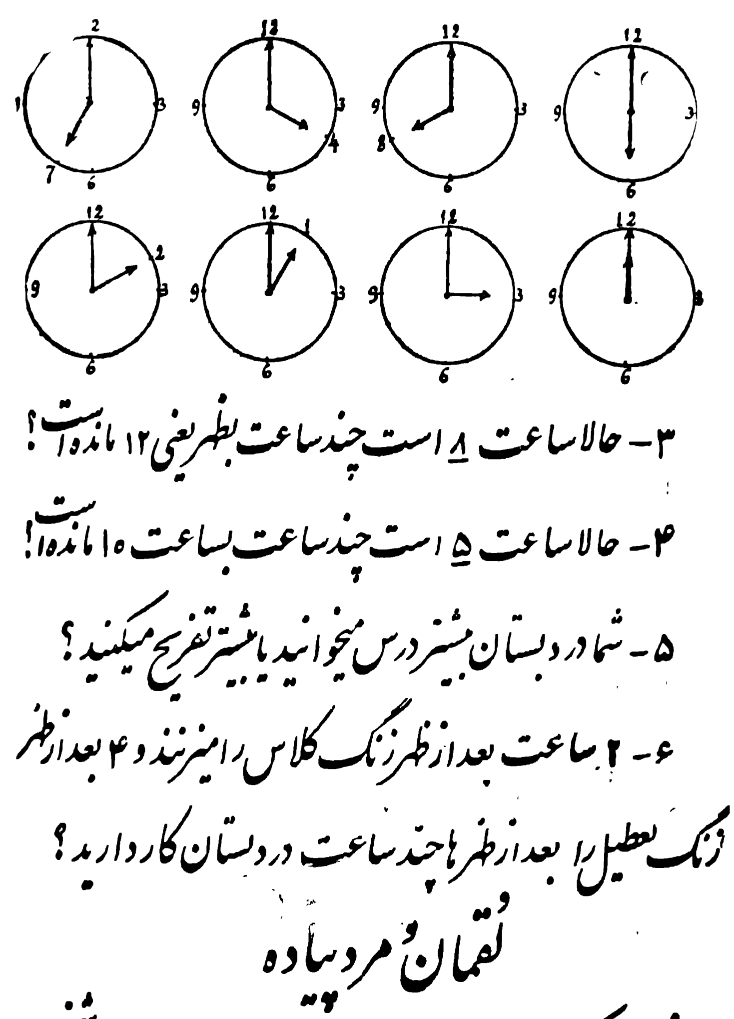
از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

من پس از غذا دندانهایم را مسواک میکنم

درس حساب

۱- در خانهٔ منوچهر یک ساعتِ بزرگ بدیوار آویخته است .

یک روز منوچهر از مادرش پرسید ساعت چه فایده دارد ؟



۳- حالا ساعت ۸ است چند ساعت بظهر یعنی ۱۲ مانده است؟

۴- حالا ساعت ۵ است چند ساعت بساعت ۱۰ مانده است؟

۵- شما در دبستان بیشتر درس میخوانید یا بیشتر تفریح میکنید؟

۶- ۲ ساعت بعد از ظهر زنگ کلاس را میزنند و ۴ بعد از ظهر زنگ تعطیل را بعد از ظهر ها چند ساعت در دبستان کار دارید؟

لقمان و مرد پیاده

لقمان حکیم بسیار دانا بود. روزی از شهر خارج شد در راه شخصی را دید که در سایهٔ درختی در کنار چشمه ای نشسته بود. آن شخص از لقمان

منوچهر گفت من در اینجا ۳ و ۸ و ۱۲ نمی بینم.

مادرش گفت پسر عزیزم اینها هم که روی صفحهٔ ساعت نوشته شده عدد است اما چون ساعت را در ایران نساخته اند عدد های آنرا بفارسی ننوشته اند حالا من بشما یاد میدهم هر کدام چه عددیست در اینجا زیر هر یک از عدد های ساعت فارسی آن نوشته شده است خوب نگاه کن و بشناس:

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

۲ــ حالا اگر خوب عدد های ساعت را شناخته اید بگوئید هر یک از این ساعتها چه وقتی را نشان میدهد:

۳- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

حکیم . اندیشید (فکر کرد) . یقین . حساب کردم . ساعت

۴- از روی این سرمشق بیست بار بنویسید :

مرد دانا حساب نکرده حرف نمیزند .

درس حساب

۱- اکبر در املاء ۲ غلط داشت نمرهٔ ۱۸ گرفت فریدون هیچ غلط نداشت نمرهٔ ۲۰ گرفت نمرهٔ دیکتهٔ جمشید ۱۵ و نمرهٔ دیکتهٔ کاوس ۱۷ است هریک چند غلط نوشته اند ؟ پروین ۷ غلط دارد چه نمره ای خواهد گرفت ؟

۲- ۵۳ بزرگتر است یا ۳۹ یا ۶۰ ؟ کدام کوچکتر است ؟

۳- عددهای هر سطر را از کوچک به بزرگ مرتّب بگوئید :

۱۱ ۹ ۲۷ ۱۸

۴۵ ۱۳ ۸۰ ۵۱

۴۹ ۷ ۳۵ ۱۵ ۷۱

پرسید کی بشهر میرسم ؟ لقمان گفت راه برو . مرد گفت مگر نشنیدی ؟ پرسیدم چند ساعت دیگر بشهر خواهم رسید . باز لقمان جواب داد راه برو . آنشخص باخود اندیشید که این مرد یقین دیوانه است دیگر سخنی نگفت و براه افتاد چند قدم که دور شد لقمان باو گفت دو ساعت دیگر خواهی رسید . آن شخص برگشت و پرسید پس چرا اول جواب ندادی ؟

لقمان گفت چون راه رفتن ترا ندیده بودم نمیدانستم آهسته میروی یا تند حالا که دیدم حساب کردم و دانستم تا دو ساعت دیگر خواهی رسید .

۱ـ سؤال : آن شخص از لقمان چه پرسید ؟ لقمان چه جواب داد ؟ آن شخص باز چه گفت ؟ لقمان باز چه جواب داد ؟ آن شخص چه اندیشید یعنی چه فکر کرد ؟ دیگر حرفی زد ؟ پس چه کرد ؟ لقمان از عقب او چه گفت ؟ چرا لقمان پس از رفتن او باو جواب داد ؟

۲ـ حالا کتاب را ببندید و حکایت را بزبان ساده بگوئید .



شناهم پُرفایده وهم نشاط آور است . تمام بچه ها دوست دارند که در آب شنا کنند .

در تابستان بعضی از میوه ها از قبیل گیلاس ، گوجه ، زردالو ، گرمک وهندوانه بدست میآید وبچه ها که بسبب گرما تشنه میشوند ازاین میوه ها بسیار لذت میبرند .

سؤال ۱ـ فایدهٔ شنارا بگوئید میتوانید شنا کنید ؟ اگر میتوانید چگونه یاد گرفته اید ؟

۲ـ میوه های تابستانی رااسم ببرید ـ کدام رابیشتر دوست میدارید ؟

حالا عددهای هر سطر را از بزرگ بکوچک مرتب بنویسید :

عددهای سطر اوّل را از راست بچپ و عددهای دو سطر دیگر را

از چپ براست .

۴ - در عددهای بالا طرفِ راستِ ۲۷ چند عدد نوشته شده

است بخوانید طرف چپِ ۷ چند عدد نوشته شده ؟ بخوانید .

نصیحت

میباش بعمر خود سحرخیز وز خواب سحرگهان بپرهیز

دریاب سحر کنار جو را پاکیزه بشوی دست و رو را

(ایرج)

تابستان

بعد از بهار تابستان است . در تابستان هوا رو بگرمی

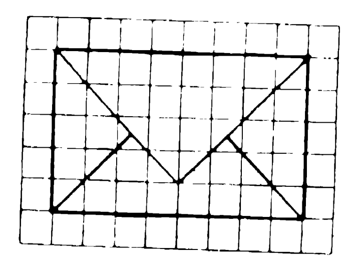
میرود ؛ آفتاب کم کم سوزان میشود . در این فصل بچه ها

در سایه بازی میکنند . یکی از ورزشهای تابستانی شنا است

همیشه یک دستمال پاکیزه همراه دارند و با دستمال بینی خود را پاک میکنند .

خانم دانش میگفت بچه های عزیزم همیشه سعی کنید بینی خود را با آب تمیز بشوئید تا کثافت در آن پیدا نشود و همیشه سالم و تندرست بمانید .

رسم : مطابق این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید .



درس حساب

یک روز وزیر به منوچهر گفت کلاس ما از کلاس شما درازتر است . منوچهر گفت

پاکیزگی بینی

خانم دانش آموزگاری مهربان بود. شاگردان خود را بسیار دوست میداشت و بسلامت آنها علاقه‌مند بود.

روزی راجع بنظافت و پاکیزگی بینی برای شاگردان صحبت میکرد.

خانم دانش میگفت خداوند هر عضوی را برای کاری آفریده است همانطور که چشم برای دیدن و گوش برای شنیدن و دهان برای غذا خوردن است بینی هم برای بوئیدن و نفس کشیدن میباشد.

ما باید سعی کنیم که همیشه با بینی نفس بکشیم. کسانی که با دهان نفس میکشند بیشتر بسینه درد و گلو درد گرفتار میشوند.

خانم آموزگار نصیحت میکرد که هیچگاه نباید انگشت در بینی کرد و کثافات توی بینی را با انگشت بیرون آورد. بچه های تمیز

بلندی میز را ۳ وجب است ؛ کدام بلندتر است ؟ بلندی نیمکت را نشان دهید .

آموزگار گفت بجای وجب میتوانید با یک قطعه ریسمان هم همین کار را بکنید .

گوزن مغرور

گوزنی از جوی آب میگذشت
همینکه عکس شاخهای قشنگ
خود را در آب دید خوشحال شد
ولی از دیدن دست و پای خود
دلتنگ گردید و با خود گفت این
چه دست و پای زشتی است
که من دارم .

از کجا میدانی ؟ گفت هر دو را با قدم اندازه گرفتم کلاس ما ۹
قدم و کلاس شما ۸ قدم من شد .

منوچهر گفت حالا بیا میز و نیمکت خود مانرا اندازه بگیریم پرویز پرسید
چطور اندازه بگیریم ؟ منوچهر جواب داد با وجب اندازه میگیریم .
اوّل دستهای خود را روی هم گذاشتند و دیدند وجبشان یک
اندازه است .

پرویز میز را وجب
کرد درازای آن ۱۲
وجب و پهنایش ۳ وجب بود منوچهر نیمکت را اندازه گرفت
درازایش ۱۲ وجب و پهنایش ۲ وجب بود . میز درازتر است
یا نیمکت ؟ کدام پهن تر است ؟

پرویز گفت بلندی میز ۵ وجب است منوچهر گفت بلندی

۲ـ حکایت را بزبان ساده بگوئید . در موقع گفتن حکایت راست بایستید . شمرده و بلند حرف بزنید .

۳ـ این لغتها و جمله ها را ده بار بنویسید :

گوزن دلتنگ پا بفرار گذاشت . بکار میخورد . جنگل دشت . تازی .

۴ـ دو بار حکایت گوزن را در دفتر خود بنویسید . نقطه ها را فراموش نکنید . سرکشهای ک و گ و دندانه ها را بگذارید .

درس حساب

۱ـ وجبهای همه یک اندازه نیست . جعفر و مهدی با وجبهای خود درازای میز آموزگار را اندازه گرفتند وجب جعفر ۱۴ وجب و وجب مهدی ۱۲ وجب شد . حالا بگوئید وجب جعفر بزرگتر است یا وجب مهدی ؟

۲ـ درازا و پهنای کلاس خود را نشان دهید . درازا



چیزی نگذشت که مردی شکارچی پیدا شد گوزن را دید و تازیهای خود را بدنبال او انداخت گوزن پا بفرار گذاشت . تا در دشت میدوید تازیها با و نمیرسیدند . ناگاه بجنگلی رسید ، شاخش بشاخهٔ درختی گیر کرد و نتوانست فرار کند . شکارچی رسید و او را گرفت . بیچاره نمیدانست که همان دست و پای زشت بیشتر بکار میخورد و شاخ قشنگ سبب مرگش میشود .

سؤال : ۱ـ شاخ گوزن چطور است ؟ با شاخ بز چه تفاوت دارد ؟ گوزن عکس خود را کجا دید ؟ از چه دلتنگ بود ؟ وقتی شکارچی پیدا شد گوزن چه کرد ؟ بکجا رسید ؟ شاخش بچه گیر کرد ؟ چه بر سر او آمد ؟

لاک پُشت و خرگوش

لاک پشتی و خرگوشی بهم رسیدند و همراه شُدند خرگوش از کُندرا
رفتنِ لاک پشت بتنگ آمد، گفت این آهسته رفتنِ تو ما را
بمنزل نمیرساند، لاک پشت گفت دُرست است که من نمیتوانم
بدَوَم امّا حاضرم با تو که بتندرویِ خود مینازی شرط ببندم تا ببینیم
کدام یک از ما بآن درختی که بالای تپّه است زودتر میرسد
خرگوش در دل خود باین حرف خندید و گفت قبول دارم تو برو
منهم آمدم. لاک پُشت براه افتاد و خرگوش بامید تیزپائی خود

و پهنای تخته را نشان دهید (۱) درازای حیاط خانهٔ خود را با قدم اندازه بگیرید ببینید چند قدم است .

اطاق خانهٔ شما درازتر است یا کلاس درس شما ؟ درازای هرکدام چند قدمِ شما است ؟

۳ـ میان شاگردان کلاسِ شما که از همه بلندتر است ؟ که از همه کوتاه‌تر است ؟

۴ـ در این شکل چند خط کشیده شده است ؟

روی آنکه از همه کوتاه‌تر است علامت × بگذارید و روی آنکه از همه بلندتر است علامت ×× بگذارید

(۱) آموزگاران طرز اندازه گرفتن با وجب یا قدم را برای دانش‌آموزان توضیح و چندین بار تمرین نمایند

خرگوش لاک‌پشت همراه تُندروی کُندرو کُندی
تیزپائی ینازی پابدویدن گذاشت سودی نبخشید

نظم و ترتیب

۴- این حکایت را دوبار با خط خوش بنویسید نقطه‌ها و دندانه‌ها را فراموش نکنید.

درس حساب

۱- شاگردانیکه خانه‌شان از دبستان دور است با اتوبوس بدبستان میآیند. در اتوبوس از هر نفر یک ریال میگیرند ولی از شاگردان کوچک دبستان نیم ریال میگیرند.

پروین که بدبستان میرفت یک یکریالی داشت بلیط فروش آن یکریالی را از او گرفت و یک نیم ریالی باو پس داد. نیم ریالی را ۵ دیناری نیز میگویند.

مشغول چریدن شد. یکمرتبه سرش را بلند کرد دید نزدیک است لاک پشت بدرخت برسد. آنوقت پا بدویدن گذاشت اما چون دیر شده بود هرچه کوشش کرد سودی نبخشید لاک پشت بدرخت رسیده بود و خرگوش هنوز میدوید.

لاک پشت که کُند میرفت چون مرتّب میرفت از خرگوشِ تیزپا که کارش ترتیب نداشت شرط را بُرد. همینطور بچه های کم ذهن که هر روز تکلیف خود را مرتّب انجام میدهند از بچه های تیزهوش که یک روز کار میکنند و چند روز کار نمیکنند جلو میافتند.

۱ــ تا بحال خرگوش دیده اید؟ چرا میگویند خرگوش؟ کدام یک از شما لاک پشت دیده است؟ روی تصویر نگاه کنید و بگوئید لاک پشت چگونه حیوانی است؟ خرگوش چطور راه میرود؟ لاک پشت چطور؟ خرگوش و لاک پشت چه شرطی بستند؟ کی شرط را برد؟ چرا؟

۲ــ راست بایستید و شمرده این حکایت را بازبان خودتان برای رفقای کلاس بگوئید.

۳ــ این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید:

خواهش دارم بجای یکریالی نیم‌ریالی بدهید. مداد فروش چند نیم‌ریالی باو داد؟

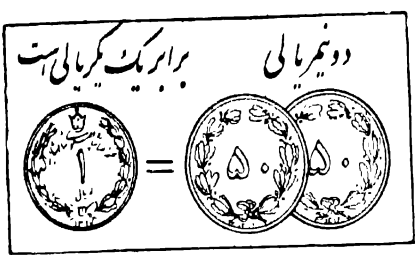
مداد

آموزگار از شاگردان پرسید: آیا مداد برای خوردن خوب است؟ زیور خندید وگفت: نه مداد خوردنی نیست.

آموزگار گفت:

پس چرا بعضی از شما مدادتان را بدهان میبرید؟ مگر نمیدانید که سر مداد کثیف است و چیز کثیف را بدهان نباید بُرد؟

باز پرسید: بینی را با مداد میتوان پاک کرد؟ خدیجه خندید وگفت: بینی را با دستمال پاک میکنند نه با مداد. آموزگار گفت: درست است امّا بعضی از شاگردان را میبینم که مداد را در بینی خود میکنند و ملتفت نیستند که نوک مداد تیز است



۲- فیروز در جیب خود ۱۰ تا نیم ریالی داشت آنها را دو تا دو تا

اینطور شمرد :

دو تا چهار تا شش تا هشت تا ده تا بگوئید این ۱۰

نیم ریالی را با چند تا یکریالی میتواند عوض کند ؟

چند تا یکریالی ۶ تا نیم ریالی میشود ؟ ۴ یکریالی چند تا نیم ریالی میشود ؟

۳- احمد صبح که بدبستان میرفت مداد نداشت پدرش باو

یک ۲ ریالی داد و گفت خودت یک مداد بخر مداد فروش

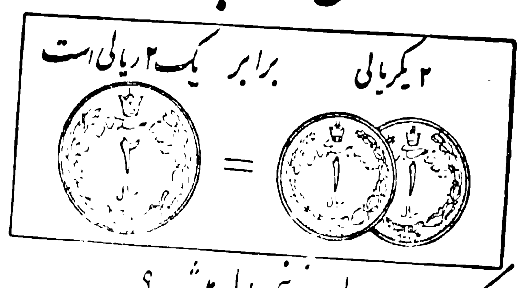
گرفت
با و گفت قیمت این مداد یک ریال است احمد مداد را

گفت
و دو ریالی را داد مداد فروش یک یکریالی باو پس داد احمد

۲- از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

مداد فقط برای نوشتن است در گوش نکنید

درس حساب



۱- یک ۲ ریالی چند نیمریالی میشود ؟

۲- چهار تا یکریالی چند تا دوریالی میشود ؟ ۵ تا یکریالی چند تا دوریالی و چند تا نیمریالی میشود ؟ (۱)

۳- خسرو یک دوریالی دارد و ایرج ۵ تا نیمریالی پول کدام بیشتر است ؟

۴- یک دوریالی و ۳ نیمریالی چند نیمریال است ؟ یک

---

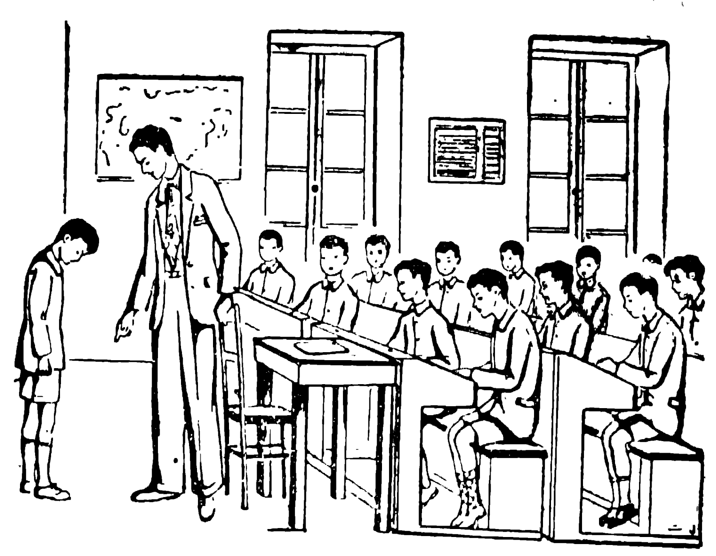
(۱) هر دو جواب گوشزد شود .

و ممکن است بینی آنها را زخم کند .

عذرا پرسید : گوشمان را با مداد پاک بکنیم ؟
آموزگار گفت : هرگز این کار را نکنید . نوک مداد
تیز است و چیز نوک تیز را نباید داخل گوش کرد
مداد برای نوشتن است نه پاک کردن و خاراندن
گوش .

وقتی که مینویسید مواظب باشید که هیچوقت مداد را
با آب دهان تر نکنید ؛ با مدادی که مغزش نرم است
بنویسید تا نوشته شما پررنگ و خوانا باشد و لازم نشود که مداد را بدهن ببرید

۱- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید : خوردن خوردنی
کثیف دهان بینی دست دستمال بعضی
ملتفت نیستند مواظب باشید



پهلوی شما بنشیند ؟ شاگردان گفتند ما از بوی بدِ پاهای احمد بدمان
میآید معلوم میشود که پاهای خود را نشسته است . احمد از جواب
همدرسان خود شرمنده شد و با خود عهد کرد که هر روز پاهای خود را
بشوید تا از او دوری نکنند .

۱ـ شاگردان از آموزگار چه خواهش میکردند ؟ چرا شاگردان نمیخواستند احمد پهلویشان
بنشیند ؟ چند روز یک بار پاهایتان را میشوئید ؟ در تابستان چطور ؟

۲ـ این درس را دو بار در دفتر بنویسید .

دوریالی و ۵ نیمریالی بیشتراست یا ۵ یک ریالی ؟ ۲ تا دوریالی بیشتر است یا ۹ تا نیمریالی ؟

۵- ایرج گفت من این مداد پاک کن را ۳۱ ریال خریدم پروین گفت قیمت مداد پاک کن من ۵ نیمریالی شده است کدامیک بیشتر پول داده است ؟ مداد پاک کن پروین ارزانتر است یا مداد پاک کن ایرج ؟

۶- گیتی ۳ دوریالی و یک یکریالی بفرنگیس داد و ۱۳ نیمریالی گرفت پول خود را تمام گرفته است ؟ چند نیمریالی باید گرفته باشد ؟

پاکیزگی پاها

روزی احمد پهلوی هریک از شاگردان که می نشست از دوری میجستند و از آموزگار خواهش میکردند که او را از پهلوی آنها بلند کند . آموزگار پرسید مگر احمد رفیق شما نیست چرا نمیگذارید

۵- هفت ۱۰ تا چه عددی میشود؟ پنج ۱۰ تا و ۳ چه عددی میشود؟

همینطور شش ۱۰ تا و ۸؟

۶- ۴ و ۳ میشود چند؟- ۶ و ۲ میشود چند؟- ۷ و ۲ میشود چند؟
۳ و ۵ = ؟- ۳ و ۴ = ؟- ۲ و ۶ = ؟
۶ و ۳ = ؟- ۵ و ۴ = ؟- ۱ و ۸ = ؟
۴ و ۱ = ؟- ۷ و ۳ = ؟- ۶ و ۴ = ؟
۷- ۴ و ۵ همانقدر است که ۵ و چند؟ ۲ و ۸ همانقدر است که ۸ و چند؟
۷ و ۳ همانقدر است که ۳ و چند؟ ۶ و ۱ همانقدر است که ۱ و چند؟
۸- ۶ و ۳ بیشتر است یا ۳ و ۶؟ ۵ و ۴ کمتر است یا ۷ و ۲؟
۴ و ۶ کمتر است یا ۸ و ۱؟ ۳ و ۱ کمتر است یا ۲ و ۳؟

مِسواک کردن



من بعد از هر غذا دهانم را با آب نیم گرم میشویم و همیشه بعد از شام دندانهایم را با مِسواک تمیز میکنم.

۴- از روی این سطر ده بار بنویسید:

پاها را هم مانند دستها و صورت باید همیشه پاکیزه نگاه داشت

درس حساب (*)

۱- در کتاب پرویز پس از صفحهٔ ۷۲ صفحهٔ ۷۵ است چند صفحه ندارد؟

۲- بین دو صفحهٔ ۳۶ و ۴۰ چند صفحه هست؟

۳- ۹۲ بین کدام دو عدد است؟ ۸۷ بین کدام دو عدد؟ ۴۰؟ ۲۹؟ ۶۱؟

۴- ۲۶ ریال یعنی ۶ ریال و چند تا ۱۰ ریال؟ ۳۵ دانهٔ تسبیح یعنی ۵ دانه و چند تا ۱۰ دانه؟

(*) این درس و درس بعد نمونه‌ای برای مراجعه بدرسهای پیش است آموزگاران باید شاگردان را در کلاس وادار نمایند که تمام این تمرینها را انجام دهند و مسائلی نظیر آنها درست کنند و در مدت معین شاگردان را امتحان نمایند تا هم معلوم شود که درسهای سابق را بخوبی فهمیده‌اند و هم قوهٔ شاگردان بدست آید و هم در عمل سریع شوند

نظم و ترتیب

خاور دختری است که همه از او تعریف میکنند زیرا بسیار با نظم و ترتیب است .

در خانه کارهای خودش را خودش میکند و بمادرش یا بخدمتگار وانمیگذارد . رختخوابش را خودش می اندازد و جمع میکند . برای هر چیز جائی معیّن کرده است ، هرچه را بخواهد از جای خودش برمیدارد و هر چیز را از هر جا برداشت دوباره همانجا میگذارد . این است که هیچوقت چیزی را گم نمیکند و محتاج نمیشود که از این و آن بپرسد فلان چیز کجاست . کتاب و نوشت افزار این دختر بقدری مُرتّب و مُنظّم است که همه کس از او تعریف میکند .

۱- کتاب و دفتر و مداد خود را چطور در کیف میگذارید ؟ شب که میخواهید بخوابید رخت خود را کجا میگذارید ؟ کفشها و جورابهایتان را کجا میگذارید ؟ رختخواب را خودتان میاندازید و خودتان جمع میکنید ؟ وقتی که میخواهید بدبستان بیائید مدّتی کتاب و دفتر

درس حساب

۱- سوسن و نسرین هرکدام با کاغذ ۳ عروسک ساختند دو نفر با هم چند عروسک ساختند؟

۲- در یک طرفِ میز آموزگار ۲ کتاب و در طرفِ دیگر ۴ کتاب است چند کتاب روی میز اوست؟

۳- علی ۴ گوسفند دارد و حسن ۶ گوسفند بیشتر از علی دارد حسن چند گوسفند دا

۴- آموزگار ورزش ۱۲ نفر از شاگردان کلاس را دو بدو پشت سرهم قرار داد چند ردیف دو نفری درست شد؟ (*)

بعد آنها را در ردیفهای سه تائی قرار داد چند ردیف سه تائی درست شد؟

۵- حسین ۱۸ مداد خود را ۲ تا ۲ تا شمرد چند تا ۲ تا شد؟ اگر ۳ تا ۳ تا میشمرد چند تا ۳ تا میشد؟

۶- ۴ و ۶ بیشتر است یا ۲ و ۷؟ ۵ و ۳ کمتر است یا ۷ و ۱؟

۳ و ۳ " " ۴ و ۴، ۲ و ۴؟ " " ۱ و ۶؟

۵ و ۱ " " ۳ و ۳، ۵ و ۵؟ " " ۱ و ۸؟

۷- عمارتی دو طبقه دارد در طبقهٔ اوّل ۴ اطاق و در طبقهٔ دوم ۳ اطاق ا

ت چند اطاق دارد؟

(*) مقصود تقسیم بر ۲ نیست آموزگاران شاگردان را وادار کنند که هر ردیف را با یک نشانه نمایش دهند و نشانه‌ها را بشمرند

درس حساب

۱- این جدولِ جمعهائی است که خواننده باید خوب ازبر داشته باشد.

۱ +۱ ۲	۲ +۱ ۳	۳ +۱ ۴	۴ +۱ ۵	۵ +۱ ۶	۶ +۱ ۷	۷ +۱ ۸	۸ +۱ ۹	۹ +۱ ۱۰

۱ +۲ ۳	۲ +۲ ۴	۳ +۲ ۵	۴ +۲ ۶	۵ +۲ ۷	۶ +۲ ۸	۷ +۲ ۹	۸ +۲ ۱۰

۱ +۳ ۴	۲ +۳ ۵	۳ +۳ ۶	۴ +۳ ۷	۵ +۳ ۸	۶ +۳ ۹	۷ +۳ ۱۰

۱ +۴ ۵	۲ +۴ ۶	۳ +۴ ۷	۴ +۴ ۸	۵ +۴ ۹	۶ +۴ ۱۰

۱ +۵ ۶	۲ +۵ ۷	۳ +۵ ۸	۴ +۵ ۹	۵ +۵ ۱۰

۱ +۶ ۷	۲ +۶ ۸	۳ +۶ ۹	۴ +۶ ۱۰

۱ +۷ ۸	۲ +۷ ۹	۳ +۷ ۱۰

۱ +۸ ۹	۲ +۸ ۱۰

۱ +۹ ۱۰

وها خود را جستجو میکنید؟ چرا؟

۲- راست بایستید و بزبان ساده بگوئید که خاور چطور دختری است و چه کارها میکند

۳- این لغتها و جمله ها را در دفتر خود پنج بار بنویسید :

لُغَت نظم مُنظّم ترتیب مرتّب رختخواب

جمع میکند جای مُعیّن محتاج نمیشود همه از او تعریف میکنند .

نصیحت

با مادر خویش مهربان باش آمادهٔ خدمتش بجان باش

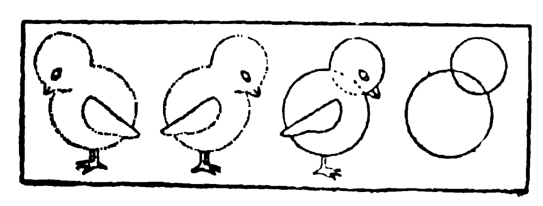
با چشمِ اَدَب نگر پدر را از گفتهٔ او مپیچ سر را

(ایرج)

۱- از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

با مادر خویش مهربان باش

۲- نقّاشی : از روی این شکلها بکشید . از طرف راست شروع کنید



پائیز

بعد از تابستان پائیز شروع میشود . اول پائیز اول مهر ماه است . در تابستان بواسطهٔ گرما بستان تعطیل است و اول مهر باز میشود .

پائیز فصل میوه است . در این فصل خربزه و هندوانه فراوان است سیب و گلابی و به و انار و هلو میرسد ؛ باغبانان آنهارا می چینند و بشهر میآورند .

سؤال : ۱ـ روی تصویر نگاه کنید آنچه می بینید بگوئید ؟

۲ـ در پائیز هوا چطور است ؟

۳ـ پائیز سه ماه است میتوانید اسم ماه های آنرا بگوئید ؟

۲- در جدول چند جمع می بینید ؟ حاصل جمع چند تای آنها ۱۰ است ؟ آنها را در یک سطر بنویسید . همینطور جمعهائی را که حاصل آنها ۹ میباشد در یک سطر زیر سطر پیش بنویسید همچنین جمعهائی را که حاصل آنها ۸ باشد . و نیز جمعهای با حاصل ۷ ، با حاصل ۶ ، ۵ ، ۴ ، ۳ ، ۲

بدینطریق یک جدول جمع از همان جمعها بشکل دیگر درست میشود .

۳- ۴ و ۳ همانقدر است که ۱ و چند ؟ ۵ و ۴ همانقدر است که ۷ و چند ؟

۸ و ۲ همانقدر است که ۳ و چند ؟ ۱ و ۵ همانقدر است که ۵ و چند ؟

۶ و ۲ « ۴ « ؟ ۶ و ۴ « ۱ « ؟

۲ و ۲ « ۳ « ؟ ۳ و ۳ « ۲ « ؟

میشود ۷ ؟ میدانید ۳ و ۴ میشود ۷ پس نقطه بجای ۴ است ،
دراینجا هم نقطه بجای عدد است . + ۱ / ۳ یعنی چند و ۱ میشود ۳ ؟
میدانید ۲ و ۱ میشود ۳ پس نقطه بجای ۲ است

۶- هریک ازاین نقطه ها بجای چه عددی است زود جواب بدهید :

۲	.	۲	.	.	۴	.
+.	+۴	+.	+۸	+۱	+.	+۳
۴	۵	۳	۹	۸	۷	۶
۵	.	۱	۴	۲	۵	.
+.	+۴	+.	+.	+۸	+.	+۲
۹	۸	۶	۹	.	۱۰	۵
۳	۳	۴	۲	.	۷	۱
+.	+.	+۶	+.	+۶	+.	+.
۴	۸	.	۱۰	۷	۹	۱۰
۴	۶	۴	.	.	.	.
+۴	+.	+.	+۲	+۱	+۷	+۵
.	۱۰	۶	۳	۲	۸	۷

درمان بدخوئی

شخصی بسیار بدخو بود . باندک چیزی که مخالف میلش میشد خشمگین

درس حساب

۱- ۴ و چند میشود ۵ ؟ البته ۴ و ۱ حالا بگوئید :

۳ و چند میشود ۸ ؟ چند و ۷ میشود ۹ ؟ ۲ و چند میشود ۷

۵ و چند « ۱۰ ؟ چند و ۷ « ۸ ؟ چند و ۳ « ۵ !

۱ و چند « ۱۰ ؟ ۶ و چند « ۹ ؟ چند و ۳ « ۸ ؟

۲- حسن باید ۵ مشق بکند ۳ مشق کرده چند مشق دیگر باید بکند؟ میدانید که ۳ مشق و دو مشق میشود ۵ مشق پس میگوئید ۲ مشق دیگر باید بکند .

۳- ۲ و ۵ چند میشود؟ و ۴ و ۴ چند؟ کدام بیشتر است و چند تا ؟

۳ و ۶ « ؟ و ۲ و ۴ « ؟ « « ؟

۷ و ۳ « ؟ ۶ و ۲ « ؟ « « ؟

۴- در این هفته احمد ۲ روز مریض بوده و بدبستان نرفته است پس در این هفته چند روز بدبستان رفته است ؟

۵- در این شکل ۳ + . / ۷ نقطه بجای عدد است بخوانید ۳ و چند

اتفاقاً خود داری سبب آرامش شما میشد و رفته رفته آن خوی بد از

سر شما بیرون رفت .

۱- خُلق و خوی این شخص چطور بود ؟ چه میکرد ؟ یکی از دوستانش چه گفت ؟ برای او چه فرستاد و چه نوشت ؟ در شخص بدخو چه اثر بخشید ؟ روزی که بدوست خود رسید باو چه گفت ؟ دوست او چه جواب داد ؟ سبب درمان بدخوئی آن شخص چه بود ؟ شما اگر غضبناک شدید برای آرام شدن چه خواهید کرد ؟

۲- راست بایستید و حکایت را بزبان ساده بگوئید .

۳- این لغتها را پنج بار در دفتر خود بنویسید . دقت کنید که پاکیزه بنویسید . روی خط بنویسید . دندانه ها را درست بنویسید . سرکشهای ک و گ را بگذارید .

شخص خو تندخو خشم خشمگین غضب غضبناک

آب خالص تسکین آرامش علاج درمان

رفته رفته کم کم دوا دارو

۴- از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

چون با ادب و تمیز باشی نزد همه کس عزیز باشی

میگردید. فریاد میکرد، بعد هم پشیمان میشد.

یکی از دوستانش گفت من دوائی میدهم که این تندخوئی شما را درمان کند.

روز دیگر تنگی پر از آب برای او فرستاد و نوشت هر وقت شما خشمگین شدید از این دارو کمی بنوشید.

آن شخص بهمین دستور رفتار نمود و دیگر غضبناک نشد.

روزی دوست خود را دید. از او تشکر کرد و گفت دوائی که شما فرستادید در من اثر بسیار نیکو بخشید و حالا دیگر بیجهت خشمگین نمیشوم.

دوستش خندید و گفت در آن تنگ جز آب خالص چیزی نبود. سبب درمانِ دردِ شما این بود که هر وقت خشمگین میشدید برای نوشیدنِ دوا یکی دو دقیقه مشغول میشدید و همان یکی دو

۴- جمشید میخواست یک مداد پاک کن بخرد قیمت آنرا پرسید فروشنده گفت قیمت آن ۲ ریال است ولی او ۳ نیم ریالی بیشتر نداشت چقدر کم داشت ؟

۵- حسن ۳ ریال داشت ۲ ریال آنرا مداد خرید چند ریال برایش باقی ماند؟ ۲ ریال را از ۳ ریال میشود ۲ ریال که از ۳ ریال برداریم ۱ ریال می ماند

و اینطور مینویسیم $\begin{array}{r}3\\-2\\\hline 1\end{array}$

۶- این مهره ها را بشمارید:

می بینید ۵ مهره و ۲ مهره است که ۷ مهره میشود

اگر ۵ مهره را برداریم چند مهره میماند؟ می بینید ۲ مهره یعنی

۵ مهره که از ۷ مهره برداریم ۲ مهره میماند $\begin{array}{r}7\\-5\\\hline 2\end{array}$

وقتی که میخواهیم بدانیم که اگر از ۷ مهره ۵ مهره برداریم چند

۵- سرگرمی :



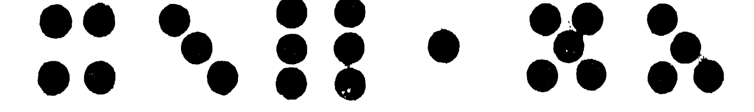
شب با سایهٔ دست خود شکل پلنگ روی دیوار درست کنید .

درس حساب

۱- احمد ۸ ریال داشت ۲ ریال آنرا دفتر خرید چند ریال برای او ماند ؟

۲- سیروس روزی ۵ ساعت در دبستان درس میخواند ۳ ساعت آنرا صبح میخواند چند ساعت بعد از ظهر درس میخواند ؟

۳- در این شکل ببینید مُهره های هرکدام از این دسته ها از مُهره های دسته های دیگر چند تا بیشتر و یا چند تا کمتر است ؟



چند تای دیگر برایش ماند؟

اینطور مینویسیم ۹ ــ ۴ ومیخوانیم ۴ وچند میشود ۹

۹ـ بچه ها با کاغذ ۸ تا کشتی ساختند وروی آب گذاشتند

۳ تای آن در آب فرورفت چند تا کشتی روی آب ماند؟

میگوئیم ۳ وچند میشود ۸؟ واینطور مینویسیم ۸ ــ ۳

۱۰ـ یکروز که برف آمده بود هوشنگ وپرویز باهم ۵ گلوله

بزرگ برفی درست کردند هوشنگ میگفت ۲ تای آنها را من

درست کرده ام پس پرویز چند تا درست کرده بود؟ ۵ ــ ۲

مشرق ومغرب

مسعود: پرویز بیا خورشید را ببین که از پشت کوه بالا آمده

است.

پرویز: مسعود چه اطاق خوبی داری! هر روز صبح میتوانی

مُهره میماند فکر میکنیم ۵ و چند میشود ۷ ؟ میدانیم ۵ و ۲ میشود ۷ پس میگوئیم ۲ مهره میماند در اینجا میگوئیم ۵ را از ۷ تفریق کرده ایم ۲ را باقیمانده این تفریق میگوئیم .

وقتی که بخواهیم عددی را از عددی برداریم تفریق میکنیم

اگر بخواهیم از همین ۷ مهره ۲ مُهره برداریم ۲ را از ۷ تفریق میکنیم

و اینطور مینویسیم $\begin{array}{r} ۷ \\ -۲ \end{array}$

این خطِ کوتاه (ـ) علامت تفریق است میگوئیم ۲ و چند میشود ۷

میدانیم ۲ و ۵ میشود ۷ پس ۵ مُهره میماند $\begin{array}{r} ۷ \\ -۲ \\ \hline ۵ \end{array}$

۷ـ جمشید ۶ گنجشک داشت درِ قفس را باز کرد که بآنها دانه دهد ۲ گنجشک بیرون پریدند چند گنجشک در قفس ماند ؟

اینطور مینویسیم $\begin{array}{r} ۶ \\ -۲ \end{array}$ میخوانیم ۲ و چند میشود ۶ ؟

۸ ـ چوپانی ۹ گوسفند داشت ۴ تای آنرا فروخت

مشرق یا خاور طرفی است که صبحها آفتاب از آن طلوع میکند.

مغرب یا باختر طرفی است که عصرها آفتاب در آن غروب میکند.

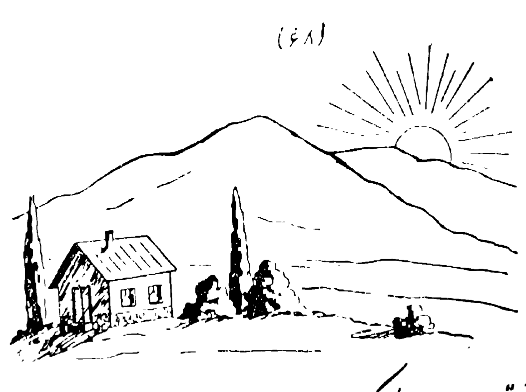
۱ـ مشرق کدام طرف است؟ ۲ـ مغرب کدام طرف است؟ ۳ـ حالا طوری بایستید که دست راست شما بطرف مشرق و دست چپ شما بطرف مغرب باشد.

درس حساب (*)

۱ـ در خانهٔ ما دو نردبان است یکی ۹ پله دارد و دیگری ۵ پله کدام بیشتر دارد و چند تا؟

البته نردبان اوّلی بیشتر پله دارد برای اینکه بفهمیم چند پله بیشتر دارد فکر میکنیم ۵ و چند میشود ۹؟ میدانیم ۵ و ۴ میشود ۹ پس نردبان

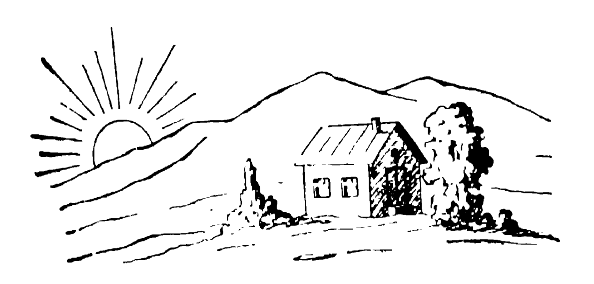
(*) در تفریق دو نوع مسأله است یکی کاهش یعنی برداشتن عددی از عدد دیگر و دیگری تعیین اختلاف بین دو عدد در این دو نوع مسأله باید بسیار تمرین شود امّا لازم نیست که نام انواع تفریق بشاگردان گفته شود



طلوع آفتاب را تماشا کنی .

مسعود : مگر تو نمیتوانی از پنجرهٔ اطاقت طلوع آفتاب را تماشا کنی ؟

پرویز : نه مسعود جان پنجرهٔ اطاق من رو بمشرق نیست



پنجرهٔ اطاق من رو بمغرب است . من هر روز عصر میتوانم غروب کردن آفتاب را تماشا کنم .

۷ـ درازای میزی ۸ وجب و پهنای آن ۵ وجب است
تفاوت درازا و پهنای آن میز چند وجب است ؟

جهت یابی

حسن جلو بیائید و بایستید . دستهارا بدو طرف باز کنید و بچرخید تا دست راست شما بطرف مشرق باشد البته دست چپتان بطرف مغرب میشود حالا روبروی شمارا شمال و پشت سرتان را جنوب میگویند .

بزرگ ۴ پله بیشتر از نردبان کوچک دارد $\frac{9}{\underline{-5}\ 4}$

و یا نردبان کوچک ۴ پله کمتر از نردبان بزرگ دارد .

پس تفاوت عدهٔ پله های این دو نردبان ۴ است

وقتی که بخواهیم تفاوت دو عدد را معلوم کنیم تفریق میکنیم

۲ـ حسن ۵ مداد و ایرج ۸ مداد دارد کدام بیشتر دارد و چند تا ؟

۳ـ احمد ۴ مرغ دارد و اکبر ۲ مرغ دارد احمد چند مرغ بیشتر دارد ؟

۴ـ اکبر ۲ ریال دارد ، احمد ۳ ریال و مهدی ۵ ریال مهدی

چند ریال بیشتر از اکبر دارد و چند ریال بیشتر از احمد ؟ احمد چند ریال

از اکبر بیشتر دارد ؟

۵ ـ پرویز ۶ سال دارد و پری ۴ سال پری چند سال از پرویز

کوچکتر است ؟

۶ـ مهری ۸ کتابچه و پری ۳ کتابچه دارد کدام بیشتر دارد و چند تا ؟

درس حساب

۱ـ این جدولِ تفریق را خوب یاد بگیرید :

۱۰ -۹ ۱	۱۰ -۸ ۲	۱۰ -۷ ۳	۱۰ -۶ ۴	۱۰ -۵ ۵	۱۰ -۴ ۶	۱۰ -۳ ۷	۱۰ -۲ ۸	۱۰ -۱ ۹

۹ -۸ ۱	۹ -۷ ۲	۹ -۶ ۳	۹ -۵ ۴	۹ -۴ ۵	۹ -۳ ۶	۹ -۲ ۷	۹ -۱ ۸

۸ -۷ ۱	۸ -۶ ۲	۸ -۵ ۳	۸ -۴ ۴	۸ -۳ ۵	۸ -۲ ۶	۸ -۱ ۷

۷ -۶ ۱	۷ -۵ ۲	۷ -۴ ۳	۷ -۳ ۴	۷ -۲ ۵	۷ -۱ ۶

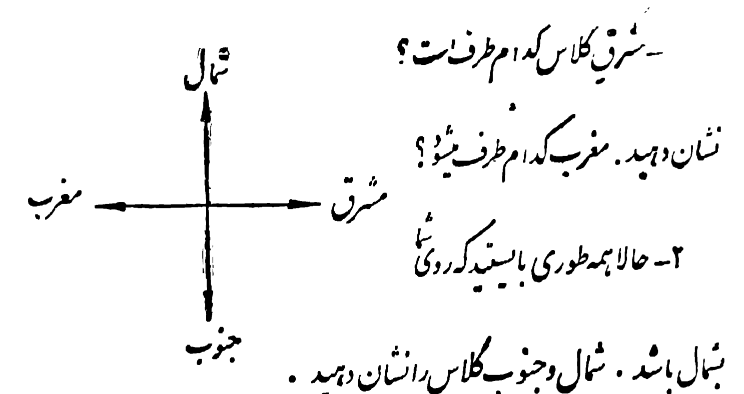
۶ -۵ ۱	۶ -۴ ۲	۶ -۳ ۳	۶ -۲ ۴	۶ -۱ ۵

۵ -۴ ۱	۵ -۳ ۲	۵ -۲ ۳	۵ -۱ ۴

۴ -۳ ۱	۴ -۲ ۲	۴ -۱ ۳

۳ -۲ ۱	۳ -۱ ۲

۲ -۱ ۱



- مشرق کلاس کدام طرف است؟ نشان دهید. مغرب کدام طرف میشود؟

۲- حالا همه طوری بایستید که روی شما بشمال باشد. شمال وجنوب کلاس رانشان دهید.

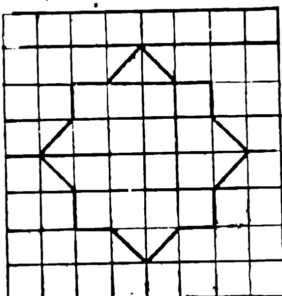
۳- اگر بخواهیم شمال وجنوب محلّی را بدانیم چه میکنیم؟

۴- پنجرهٔ کلاس در کدام جهت است؟

۵- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید:

چرخیدن   شمال   جنوب   سمت   جهت

۶- رسم: از روی این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید.



بطمع افتاد ، دهن باز کرد تا آن استخوان را بقاپد امّا استخوانِ خودش هم از دهان افتاد و آب آن را برد .

۱- سگ از چه شاد شد ؟ چرا شاد شد ؟ چند بچه داشت ؟ سیر بودند یا گرسنه ؟ استخوان را چه کرد ؟ بکجا رسید ؟ صورت خود را در چه دید ؟ چه خیال کرد ؟ چه کرد ؟ عاقبت چه شد ؟ چه زیانی از طمع برد ؟ اگر طمع نمیکرد چه میشد ؟

۲- راست بایستید . شمرده . قصّهٔ سگ را بیان کنید .

۳- این لغتها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

طمع طَمَعکار صورت زیرا عاقبت بیان

۱- دو بار از روی این درس بنویسید . دقّت کنید . روی خط بنویسید نقطه ها و دندانه ها و سرکشها را سر جای خود بگذارید .

درس حساب

۱- ناصر بمنصور گفت بیا با این مُهره ها بازی کنیم من در دست خودم ۵ مهره دارم هر وقت یکی از دستهایم را باز میکنم تو باید بگوئی

۲- در جدول پیش چند تفریق می‌بینید؟ باقیماندهٔ چند تای آنها ۱ است؟ آنها را در یک سطر بنویسید. همینطور تفریقهائی را که باقیماندهٔ آنها ۲ میباشد در یک سطر زیر سطر پیش بنویسید. همچنین تفریقهائی را که باقیماندهٔ آنها ۳ میباشد و نیز تفریقهای با باقیماندهٔ ۴، با ماندهٔ ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹. بدین ترتیب همان جدول پیش بشکل دیگر درست میشود.

سگ طمعکار

سگی استخوانی پیدا کرد، بسیار خوشحال شد، زیرا آنروز چیزی نخورده بود و دو تا بچه داشت که آنها هم گرسنه مانده بودند. استخوان را بدهان گرفت تا بلانهٔ خود ببرد و بچه‌های خود بدهد. در راه بکنار جوی آبی رسید صورت خود را در آب دید، خیال کرد سگی دیگر در آب است و او هم استخوانی در دهن دارد.

میدانید ۵ و هیچ همان ۵ است $\frac{5}{5}+$ $\frac{5}{5}+$

هر عدد را با صفر جمع کنیم حاصل همان عدد میشود

۲- پرویز ۳ ریال پول داشت $\frac{1}{-}$ ریال آنرا خرج کرد چند ریال

برای او ماند؟ فوراً میگوئید ۲ ریال $\frac{3}{\frac{1}{2}}-$

اگر هیچ خرج نمیکرد چند ریال برای او میماند؟ میگوئید همان ۳ ریال

اگر صفر را از عددی تفریق کنیم باقیمانده همان عدد میشود $\frac{3}{\frac{0}{3}}-$

۳- منصور ۶ مداد رنگی دارد و علی نیز ۶ مداد رنگی کدام بیشتر دارد و چند تا؟ عدهٔ مدادهای هر دو یکی است پس هیچیک بیش از دیگری

مداد ندارد $\frac{6}{\frac{6}{0}}-$

هرگاه دو عدد برابر را از هم تفریق کنیم باقیمانده صفر است

۴- اتوبوسی ۹ مسافر داشت همه در ایستگاهی پیاده شدند و مسافری

نیامد وقتی که اتوبوس براه افتاد چند مسافر داشت؟ $\frac{9}{\frac{9}{0}}-$

در دست دیگرم چند مهره است .

دفعهٔ اول که ناصر یک دست خود را باز کرد منصور ۲ مهره در آن دید پس گفت در دست دیگرت ۳ مهره است ناصر گفت درست است . دفعهٔ دیگر ناصر مهره ها را در دست خود پنهان کرد وقتی که دست راست خود را باز کرد منصور ۱ مهره در آن دید فوراً گفت در دست چپت ۴ مهره است پس از آن باز ناصر مهره ها را پنهان کرد و این دفعه که دست خود را باز کرد منصور دید ۵ مهره در آنست گفت در دست دیگرت مهره نیست برای اینکه ۵ مهره بیشتر نداشتی و همه اش در این دستت هست ناصر گفت نگفتی در آن دستم چند تا مهره هست منصور گفت هیچ ناصر گفت درست است

هیچ را صفر هم میگویند و این شکل مینویسند ٥

بمن بدهید تا بگویم مال کیست .

بهروز گردو را باو داد . راهگذر آنرا دو نیم کرد و مغزش را بیرون آورد . پس یک نیمه از پوستِ خالی را بپرویز داد و گفت این حقِ شما که گردو را دیده اید و نیمهٔ دیگر را بهروز داد و گفت این هم مال شما که آنرا برداشته اید . مغز را هم خود در دهان گذاشت و گفت این هم دستمزدِ من که آنرا شکسته ام .

۱- پرویز و بهروز کجا میرفتند ؟ در راه چه یافتند ؟ آیا با هم قسمت کردند ؟ بهم چه میگفتند ؟ راهگذر چه گفت ؟ پس از آن چه کرد ؟ آیا راهگذر خوب کرد ؟ اگر پرویز و بهروز گردو را رفیق وار تقسیم میکردند بهتر نبود ؟

۲- حکایت را بزبان خودتان بگوئید . روبروی شاگردان است بایستید و شمرده و بلند حرف بزنید .

۳- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

بهروز پیشدستی کرد حق پیش دستی راه
گذر راهگذر دو نیم کرد نصف کرد دست مزد

۵ - درخت سیب خانهٔ حمید ۷ سیب داشت حمید خواست از آن
بچیند دستش نمیرسید چندین دفعه بالا جست باز هم نتوانست بچیند.
چند سیب چید؟ چند سیب بدرخت ماند؟ $\frac{7}{5}$

۶ - جوجه فروشی فریاد میکرد ۶ جوجهٔ چاق دارم پدر کامران
هر ۶ جوجه را از او خرید چند جوجه برای جوجه فروش ماند $\frac{6}{6}$

تقسیم یک گردو

پرویز و بهروز از دبستان بخانه میرفتند. گردوئی در راه
افتاده بود؛ پرویز آنرا دید و بهروز نشان داد. بهروز زودتر رسید
گردو را برداشت.

پرویز گفت: گردو را من دیده ام مال من است.

بهروز گفت: من آنرا برداشته ام مال من است.

راهگذری که گفتگویشان را گوش میداد پیش آمد و گفت: گردو را

۵	۱	۲	۳	۲	۶	۲	۴
+۵	+۶	+۸	−۵	+۷	−۳	+۸	−۴

۳	۴	۹	۰	۱	۹	۲	۵
−۱	−۵	+۱	−۵	+۵	−۶	−۵	+۵

۲– همینطور این جمعها و تفریقهارا :

۳	۵	۹	۰	۱	۷	۴	۶
−۳	+۱	−۹	+۱	−۵	+۳	−۲	−۲

۰	۹	۴	۸	۸	۵	۲	۹
+۳	−۸	+۶	−۵	+۱	+۲	+۳	−۱

۰	۷	۱	۶	۴	۵	۷	۰
+۶	−۵	+۱	−۶	+۵	−۱	+۳	+۵

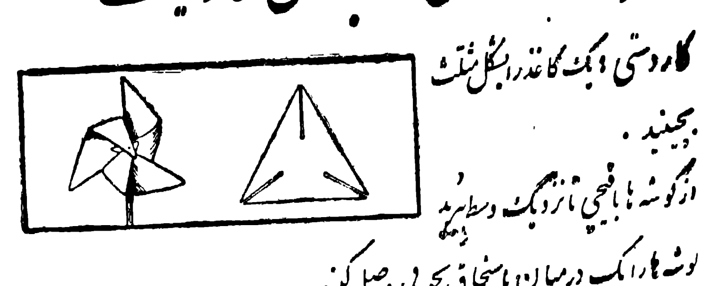
۶	۰	۸	۷	۸	۲	۲	۳
−۵	+۴	−۴	−۵	−۷	+۸	−۲	+۳

و شمرده .

۴- از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

به از راستی در جهان کار نیست

کار دستی : یک کاغذ را بشکل مثلث بچینید . از گوشه ها با قیچی تا نزدیک وسط ببرید گوشه ها را یک در میان با سنجاق بچوبی وصل کنید .

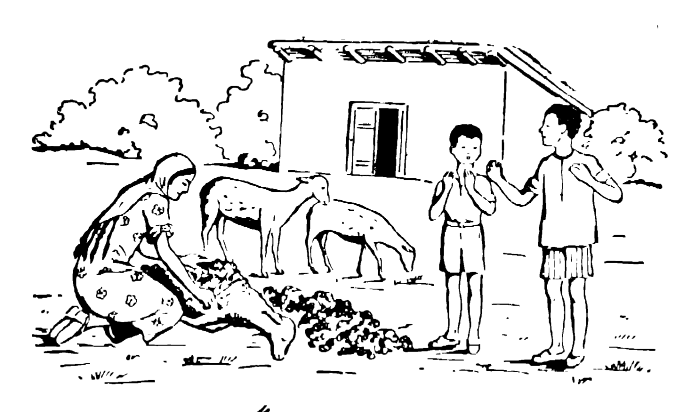


درس حساب

۱- جوابهای این جمعها و تفریقها را باید بتوانید در کمتر از ۸ دقیقه بدهید (فقط جوابها را روی یک تکه کاغذ سفید بنویسید)

۵	۸	۱	۰	۵	۳	۵	۱
+۲	−۱	+۴	+۷	+۴	−۳	−۴	+۹

۳	۶	۳	۴	۰	۶	۴	۷
−۱	+۰	+۷	−۱	+۸	−۱	+۲	−۷

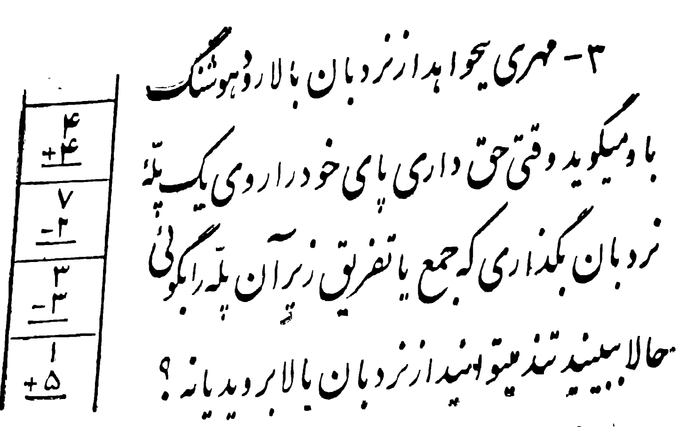


همه از پشم گوسفندان درست میشود وپشم گوسفند را بهمین سبب قیچی میکنند .

مردم گوسفند را تنها برای پشمش دوست نمیدارند، شیرش را هم میخورند و مثل شیر گاو از آن کره و ماست وپنیر وکشک تهیّه میکنند، گوشتش از گوشتِ گاو بهتر است و از پوستش چرمهای نازک درست میکنند .

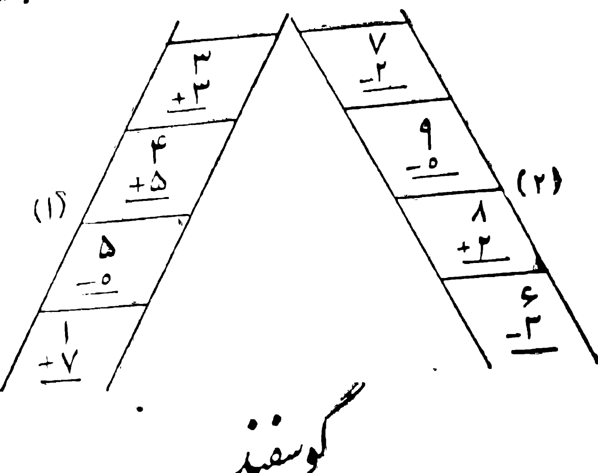
مسعود : حالا فهمیدم چرا مردم اینقدر گوسفند را دوست دارند

۱- چرا پشم گوسفند را قیچی میکنند ؟ کدامتان لباس پشمی پوشیده اید ؟ کدام قسمت از لباستان



۳- مهری میخواهد از نردبان بالا رود هوشنگ
با و میگوید وقتی حق داری پای خود را روی یک پله
نردبان بگذاری که جمع یا تفریق زیر آن پله را بگوئی
حالا ببینید تند میتوانید از نردبان بالا روید یا نه ؟

۴- از نردبان (۱) بالا روید و از نردبان (۲) پائین بیائید



گوسفند

مسعود : جهانگیر چرا پشمهای گوسفندها را قیچی میکنند ؟

جهانگیر : اینهمه پارچه های پشمی که با آن لباس میدوزند و قالیها

مینویسیم و اینطور جمع میکنیم : دو عدد ۴ و ۱ را در ذهن خود

۴
۱
۳
۸

جمع میکنیم و میگوئیم ۵ بعد ۵ و ۳ را در ذهن خود جمع میکنیم و میگوئیم ۸

۲- پرویز ۵ ریال در قلکِ خود داشت ۳ ریال از پدر خود و ۱ ریال از مادر خود گرفت و در آن ریخت حالا چند ریال در قلکِ پرویز است؟ برای اینکه بفهمید ۵ ریال و ۳ و ۱ ریال چند ریال میشود اینطور بنویسید

۵
۳
۱

و از بالا بپائین جمع کنید و بگوئید ۸ و ۹ پس در قلکِ پرویز ۹ ریال است .

۳- حاصلِ جمع عددهای هر ستون را پیدا کنید سعی کنید تند عمل کنید :

۱	۳	۲	۵	۱	۲	۳
۶	۳	۲	۰	۵	۵	۴
۱	۲	۳	۳	۴	۲	۳

۱	۶	۲	۰	۴	۶	۳
۲	۰	۵	۷	۴	۱	۳
۳	۴	۱	۲	۱	۲	۳

پشم است وکدام قسمت نخی ؟ شما خودتان مو دارید یا پشم ؟ است و گربه مو دارید یا پشم ؟
چرا مردم گوسفند را دوست دارند ؟ گوسفند غیر از پشم بما چه چیزهای دیگر میدهد ؟

۴- این درس را بزبان ساده، بلند و شمرده برای دیگران بگوئید .

۵- این کلمه ها را پنج بار در دفتر بنویسید . امّا مثل همیشه خیلی روشن و صاف بنویسید نقطه ها و دندانه ها و سرکشها را فراموش نکنید .

مسعود قیچی پشم پشمی حالا فهمیدم ماست پنیر
کشک گوشت چرم

درس حساب (*)

۱- روز جشن تولّد بیژن عدّه ای از همکلاسیهای او بخانه اش رفتند اوّل ۴ نفر بعد ۱ نفر و آخر ۳ نفر - چند نفر بمنزل بیژن رفتند ؟
میگوئیم ۴ نفر اوّل و ۱ نفر بعد میشوند ۵ نفر این ۵ نفر با ۳ نفر آخر میشوند ۸ نفر پس ۸ نفر بمنزل بیژن رفتند این عددها را اینطور زیر هم

(*) در جمع چند عدد آموزگاران متوجّه باشند که در نتیجه تمرین زیاد دانش آموزان فقط حاصل جمعهای جزء را تلفظ کنند مثلاً در جمع ۴ با ۱ و ۳ نگویند (۴ و یک ۵ پنج و سه ۸) بلکه فقط بگویند ۵، ۸

۶- کاوس گفت من و دو برادرم با ۲ پسر عمو یمان صبح جمعه باستخر شنا رفتیم وقتی که آنجا رسیدیم ۴ بچه در استخر بازی میکردند ما هم در آب رفتیم اگر گفتید چند نفر در استخر بودیم ؟

۷- محمود با پدر خود ببازار رفت و در دکان قناری فروشی سه قفس دید که در یکی ۲ قناری و در دیگری ۶ قناری و در سومی ۱ قناری بود پدرش از او پرسید در این سه قفس چند قناری است ؟ محمود گفت ۹ تا. آیا محمود درست جواب داد ؟

پارچه های پشمی

در درس گوسفند فهمیدید که هر وقت پشم گوسفندان بلند میشود آنرا میچینند .

این پشمها را تمیز میکنند ؛ در کارخانه میتابند و نخ پشمی درست میکنند ؛ با این نخ پارچه میبافند . در اصفهان چندین کارخانه بست

۲	۳	۱	۷	۲	۳	۲
۵	۴	۸	۱	۲	۴	۵
۱	۱	۱	۲	۲	۲	٥

۴- در این شکل عددهای هر سطر را جمع کنید همینطور عددهای هر ستون را همینطور رشتهٔ عددی را که از هر گوشه بگوشهٔ روبرو ردیفند .

۳	۵	۱
۱	۳	۲
۵	۲	۴

۵- در این جمعها بجای هر نقطه یک عدد بنویسید بطوریکه جمعها درست باشند .

۴	۱	۵	۵	۴	•	۲
•	۴	•	۳	۲	۱	•
۳	•	۴	۲	•	۳	۴
۸	۷	۹	•	۱۰	۶	۹

٥	۷	۳	۵	۳	۱
۴	۲	•	۲	۲	۲
۱	٥	۶	•	•	•
•	•	۹	۸	۸	۶

۱- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

اصفهان شهر زیبا میچینند میتابند میبافند میدوزند

کارمیکنند دستکش جوراب .

درس حساب

۱- در این شکل دو دسته مهره می بینید :

●●●●● ●●●●●●

مهره های هر دسته چند تا است ؟ همهٔ مهره ها چند تا است ؟

۵ مهره طرف چپ و ۶ مهره طرف راست است که روی هم

۱۱ مهره میشود یعنی $\frac{\begin{array}{r}۵\\+۶\end{array}}{۱۱}$ $\frac{\begin{array}{r}۶\\+۵\end{array}}{۱۱}$

حالا اگر از این ۱۱ مهره ۵ مهره بردارید چند تا میماند ؟ واگر ۶ مهره

بردارید چند مهره میماند ؟ $\frac{\begin{array}{r}۱۱\\-۵\end{array}}{۶}$ $\frac{\begin{array}{r}۱۱\\-۶\end{array}}{۵}$

۲- علی ۹ گوسفند داشت ۲ گوسفندِ دیگر هم خرید حالا چند

که در آنجا پارچهٔ پشمی میبافند . اصفهان یکی از شهرهای بزرگ و زیبای ایران است .

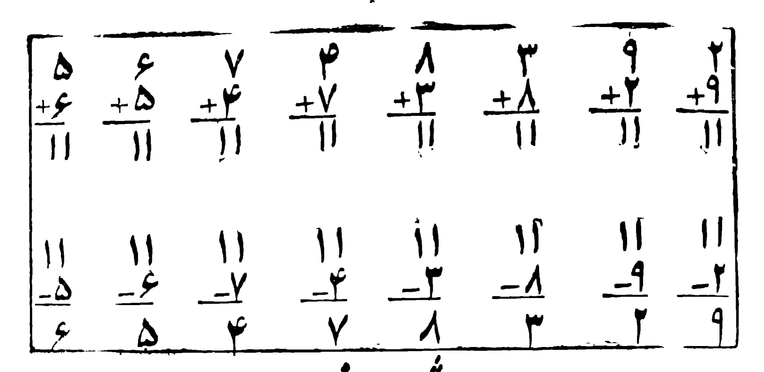
پشم را با دست هم میتابند . با پشم تابیده قالی و جوراب میبافند

در زمستان جوراب و دستکش پشمی میپوشیم .

پدر احمد خیاط خوبی است .

او یکدست لباس پشمی زمستانی قشنگ برای پسرش دوخت .

۱ـ کارخانهٔ پارچه پشمی در کدامیک از شهرهای ایران هست ؟ کی پشم گوسفند را می چینند ؟ در کارخانه اول با پشم چه میکنند و بعد چه میکنند ؟ که لباسهای شما را میدوزد ؟ چه کسانی کار میکنند تا لباسهای شما آماده شود ؟ اصفهان چطور شهری است ؟



۵	۶	۷	۴	۸	۳	۹	۲
۶+	۵+	۴+	۷+	۳+	۸+	۲+	۹+
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۵-	۶-	۷-	۴-	۳-	۸-	۹-	۲-
۶	۵	۴	۷	۸	۳	۲	۹

چشم و بینی



سعید: مادرجان ببین چه گل قشنگی است! بو کن، چه بوی خوبی دارد!

مادر- سعید جان باید خدا را شکر بکنیم که بما چشم و بینی داده است

گوسفند دارد؟ جواب میدهیم ۱۱ گوسفند و مینویسیم: $\begin{array}{r}۹\\+۲\\\hline ۱۱\end{array}$ $\begin{array}{r}۲\\+۹\\\hline ۱۱\end{array}$

۲ تا از این ۱۱ گوسفند سفید است چند تا از آنها سفید نیست؟ جواب میدهید ۹ تا $\begin{array}{r}۱۱\\-۲\\\hline ۹\end{array}$

حسین ۱۱ گردو داشت ۹ تای آنرا شکست چند تا گردوی درست برایش باقی مانده است؟

جواب میدهید ۲ تا برای اینکه میدانید ۹ و ۲ میشود ۱۱ $\begin{array}{r}۱۱\\-۹\\\hline ۲\end{array}$

۳- در خانهٔ ایرج دو گلدانِ نارنج است یکی از آنها ۷ نارنج دارد و دیگری ۴ نارنج. دو گلدان باهم چند نارنج دارند؟

$\begin{array}{r}۷\\+۴\\\hline ۱۱\end{array}$ $\begin{array}{r}۴\\+۷\\\hline ۱۱\end{array}$ و $\begin{array}{r}۱۱\\-۷\\\hline ۴\end{array}$ $\begin{array}{r}۱۱\\-۴\\\hline ۷\end{array}$

۴- این جمعها و تفریقها را خوب از بر کنید.

خدا را شکر میکنیم و او را دوست میداریم

درس حساب

۱- در حوض خانهٔ ما ۹ ماهی بود امروز ۳ ماهی دیگر در آن انداختیم حالا حوض خانهٔ ما چند ماهی دارد؟

جواب میدهیم ۱۲ ماهی همچنانکه $\begin{array}{r}9\\+3\\\hline 12\end{array}$ $\begin{array}{r}3\\+9\\\hline 12\end{array}$

۹ و چند میشود ۱۲؟ $\begin{array}{r}12\\-9\\\hline 3\end{array}$ ۳ و چند میشود ۱۲؟ $\begin{array}{r}12\\-3\\\hline 9\end{array}$

۲- در خانهٔ ما ۸ درخت کاج و ۴ درخت میوه است در خانهٔ ما چند درخت میوه است؟

جواب میدهیم ۱۲ درخت $\begin{array}{r}8\\+4\\\hline 12\end{array}$ و یا $\begin{array}{r}4\\+8\\\hline 12\end{array}$

حمید میگفت در باغچهٔ حیاط خانهٔ خودمان ۴ درخت داریم هرمز او گفت ما ۱۲ تا داریم حیاط خانهٔ هرمز چند درخت بیشتر از حیاط خانهٔ حمید دارد؟ میگوئیم ۴ و ۸ میشود ۱۲ پس حیاط خانهٔ هرمز ۸ درخت

اگر چشم نبود صورتِ من و قشنگی گُل و چیزهای دیگر را نمیدیدی
اگر بینی هم نبود بوی این گُل را نمی شنیدی .

خدا فقط چشم و بینی بما نداده است ؛ هر یک از قسمتهای دیگر بدنِ ما را نیز برای کاری آفریده است پس ما باید خدا را دوست بداریم و بینی و چشم و همهٔ قسمتهای بدن را خوب و تمیز نگاه داریم .

سؤال ۱ـ سعید بمادرش چه نشان داد ؟ و چه گفت ؟ مادرش باو چه گفت ؟ با چشم چه میکنید ؟ بینی بچه کار میآید ؟ چند قسمت دیگر از بدن را اسم ببرید . فایدهٔ هر یک را هم بگوئید ؟ با دست چه میکنید ؟ پا برای چه آفریده شده است ؟ بینی خود را چگونه تمیز میکنید ؟ چرا خدا را باید دوست بداریم ؟

۲ـ این کلمه ها و جمله ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

چشم بینی قسمت قسمتهای شکر بوئیدن آفریدن

با چشم می بینیم با بینی بو میکشیم

۳ـ از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۶-	۵-	۷-	۴-	۸-	۳-	۹-
۶	۷	۵	۸	۴	۹	۳

پاکیزگی چشم



جمشید : ژاله بیا مرغها را ببین . پرویز جان تو هم بیا ! راستی چرا چشمت را با دستمال گرفته ای ؟

پرویز : چشمم درد میکند ، نمیتوانم آنرا خوب باز کنم . حوصله بازی ندارم .

جمشید : معلوم میشود حرف مادر را گوش نکرده ای اگر گوش

بیشتر از حیاط خانهٔ حمید دارد

$$\begin{array}{r} ۱۲ \\ -۴ \\ \hline ۸ \end{array}$$

از ۱۲ قوطی کبریت ۸ تا باقیمانده است چند تای آنرا بکار برده‌ایم

چون ۸ و ۴ میشود ۱۲ میگوئیم ۴ تای آن بکار رفته است

$$\begin{array}{r} ۱۲ \\ -۸ \\ \hline ۴ \end{array}$$

۳- تقی میگفت دیشب من ۷ مسأله حل کردم اکبر گفت اینکه چیزی نیست من ۵ تا بیشتر از تو حل کردم اکبر چند مسأله حل کرده است؟

جواب میدهیم ۱۲ تا
$\begin{array}{r} ۷ \\ +۵ \\ \hline ۱۲ \end{array}$
و
$\begin{array}{r} ۵ \\ +۷ \\ \hline ۱۲ \end{array}$

۷ و چند میشود ۱۲ ؟ ۵ و چند میشود ۱۲ ؟
$\begin{array}{r} ۱۲ \\ -۷ \\ \hline ۵ \end{array}$
$\begin{array}{r} ۱۲ \\ -۵ \\ \hline ۷ \end{array}$

۴- ۶ و ۶ چند میشود ؟ جواب میدهیم ۱۲ تا
$\begin{array}{r} ۶ \\ +۶ \\ \hline ۱۲ \end{array}$

۶ و ۶ را دو ۶ تا هم میگویند .

۵- این جمعها و تفریقها را خوب یاد بگیرید :

$\begin{array}{r} ۵ \\ +۷ \\ \hline ۱۲ \end{array}$
$\begin{array}{r} ۷ \\ +۵ \\ \hline ۱۲ \end{array}$
$\begin{array}{r} ۴ \\ +۸ \\ \hline ۱۲ \end{array}$
$\begin{array}{r} ۸ \\ +۴ \\ \hline ۱۲ \end{array}$
$\begin{array}{r} ۳ \\ +۹ \\ \hline ۱۲ \end{array}$
$\begin{array}{r} ۹ \\ +۳ \\ \hline ۱۲ \end{array}$

درس حساب

۱- روز تعطیل بود بچه‌ها تخم مرغ رنگ میکردند ۳ تا را رنگ قرمز زدند، ۶ تا را آبی و ۲ تا را سبز کردند چند تا تخم مرغ رنگ کردند؟

اینطور مینویسیم:

۳
۶
۲
―

اول ۳ و ۶ را جمع میکنیم و میگوئیم ۹ بعد ۹ و ۲ را جمع میکنیم و میگوئیم ۱۱ پس رویهم رفته ۱۱ تخم مرغ رنگ کردند

۳
+۶
+۲
―
۱۱

۲- برای جمع سه عدد ۵ و ۳ و ۴ آنها را زیر هم در یک ستون مینویسیم و میگوئیم ۸، ۱۲

۵
+۳
+۴
―
۱۲

۳- حاصل جمع عددهای هر ستون را پیدا کنید و سعی کنید تند عمل کنید

۳	۱	۱	۹	۵	۶	۷
۲	۷	۳	۵	۴	۵	۲
۶	۴	۷	۲	۳	۶	۴

۶	۴	۸	۲	۳	۴	۲
۲	۲	۱	۱	۳	۴	۶
۴	۶	۳	۸	۵	۴	۳

کرده بودی حالا اینطور نبودی مگر مادر بما نگفت دست کثیف بچشم نمالید؟ وجائیکه گرد و خاک است بازی نکنید تا چشمان همیشه سالم باشد؟

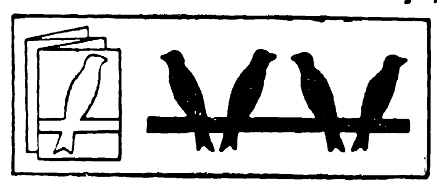
۱- در ست بشکل نگاه کنید ببینید کدام یک از این کودکان جمشید است؟ کدامیک ژاله است؟ کدامیک پرویز؟ جمشید بژاله چه نشان میدهد؟ پرویز کجا نشسته است؟ چرا دستمال روی چشمهایش گذاشته است؟ مادر این بچه ها بآنها چه گفته است؟ اگر گرد و خاک توی چشم برود چه میشود؟

۲- این کلمه ها را پنج بار در دفتر بنویسید:

دستمال اصلاً حوصله کثیف اینطور صداکن

معلوم میشود سالم

کاردستی: شکل کلاغ را در کنار کاغذی بکشید مانند شکل زیر دست چپ تا کنید با قیچی اطراف شکل را ببرید بعد کاغذ را باز کنید.



پوست بدن دارای سوراخهای بسیار ریزی است آدمی از سوراخهای ریز پوست هم نفس میکشد .

وقتی پوست چرک شد سوراخها بسته میشود . در حمام آب گرم و صابون چرکها را میشوید و پوست بدن را پاک میکند ، سوراخها باز میشود ، آنوقت پوست خوب تنفّس میکند و شما خیال میکنید سبکتر شده اید .

پس اگر مدّتی بحمام نروید کثیف و بیمار میشوید .

۱ــ چرا حمّام باید رفت ؟ وقتی که شما پاکیزه میشوید حالتان چطور است ؟ ما با بینی نفس میکشیم ، اینطور ! فایده سوراخهای ریز پوست چیست ؟ عرق بدن از کجا بیرون میآید ؟ چرا در حمام صابون میزنند ؟ اگر مدّتی بحمام نروید چه میشود ؟

۲ــ این کلمه ها و لغتها را پنج بار بنویسید . روشن و واضح بنویسید و در نقطه ها و دندانه ها دقت کنید :

حمّام حالمان بهتر است نفس تنفّس سبک

سبکتر شرح فایده

۴- مادرم ۱۲ تخم مرغ خریده بود ۸ تای آن را نیمرو کرد چند تا باقیماند ؟

۵- بجای هر نقطه چه عدد باید باشد ؟ سعی کنید زود جواب بدهید:

۱۲	۱۱	۵	۷	۹	۱۲
−۷	−۵	+۶	+•	+•	−•
•	•	•	۱۲	۱۱	۶

•	۱۱	۵	۵	۱۲	۹
+۴	−•	+•	+•	−۷	+۳
۱۲	۲	۱۲	۱۱	•	•

شستشوی بدن

روزی آموزگار فایدهٔ حمام را در کلاس شرح میداد و میگفت وقتی بحمام میرویم هم پاکیزه میشویم و هم خیال میکنیم سبکتر شده ایم و حالمان بهتر شده است

یکی از شاگردان پرسید چرا حالمان بهتر میشود ؟ آموزگار گفت

$$\begin{array}{r} ۴ \\ +۹ \\ \hline ۱۳ \end{array} \qquad \begin{array}{r} ۹ \\ +۴ \\ \hline ۱۳ \end{array}$$

۹ و چند میشود ۱۳ ؟ ۴ و چند میشود ۱۳ ؟

$$\begin{array}{r} ۱۳ \\ -۴ \\ \hline ۹ \end{array} \qquad \begin{array}{r} ۱۳ \\ -۹ \\ \hline ۴ \end{array}$$

۲- این جمعها و تفریقها را خوب از بر کنید :

۶	۷	۸	۵	۴	۹
۷	۶	۵	۸	۹	۴
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳

۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
-۶	-۷	-۵	-۸	-۴	-۹
۷	۶	۸	۵	۹	۴

۳- نسرین با مادر خود برای شستن ظرف کومک میکرد ۵ بشقاب را او شست و ۹ بشقاب را مادرش با هم چند بشقاب شُستند ؟

جواب میدهید ۱۴ بشقاب :

$$\begin{array}{r} ۵ \\ +۹ \\ \hline ۱۴ \end{array} \qquad \begin{array}{r} ۹ \\ +۵ \\ \hline ۱۴ \end{array}$$

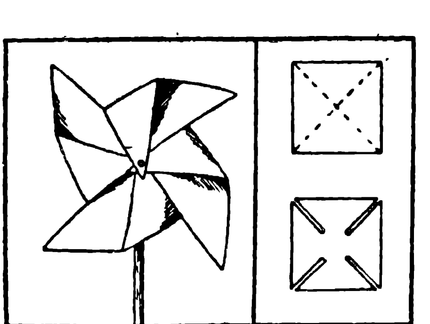
۴- حسن که ۱۴ سال داشت میگفت از خواهرم ۵ سال بزرگترم خواهرِ حسن چند سال داشت ؟

۳- د... ر روی این درس بنویسید درست روی خط بنویسید.

۴- از روی این سرمشق ده بار بنویسید:

آب گرم و صابون بدن را پاک میکند

۵- کاردستی:



فرفرهٔ چهارپره

۱- کاغذ مربعی را مطابق نقطه چین تا کنید.

۲- مطابق شکل زیر از گوشه ها تا نزدیک وسط با قیچی ببرید

۳- گوشه ها را یک در میان با سنجاق بچوب وصل کنید.

درس حساب

۱- پدر بهروز برای او یک جفت جوراب و یک دفتر خریده بود. بهروز از پدرش پرسید اینها را چند خریدید؟ پدرش گفت جوراب را به ۹ ریال و دفتر را به ۴ ریال بهروز گفت پس برای اینها ۱۳ ریال داده اید

تنفس مثل آدم مریض درگوشه ای می نشست . درکلاس
هیچوقت سؤالی نمیکرد و حوصلهٔ حرف زدن باهمدرسان
خود نداشت .

روزی آموزگار از احمد پرسید مگر شما مریض هستید ؟ احمد
جواب داد خیر. آموزگار گفت می بینم شما هیچوقت چیزی
نمیپرسید و بسیار بیحال وکم صدا هستید ، راستی احمد شما بازی
وورزش میکنید ؟ احمد گفت خیر، آموزگار گفت من هم
فکر میکردم که شما بازی وورزش نمیکنید حتماً این افسردگی
وکم حرفی ولاغری شما از بازی نکردن است ببینید بیژن
چقدر خوشحال وبانشاط است یقین دارم که او ورزش
میکند - بیژن اینطور نیست ؟ بلی آموزگار ! من در ساعت
تنفس با بچه ها بازی میکنم صبحها وعصرها هم در منزل ورزش

یعنی ۵ و چند میشود ۱۴ ؟ میدانید ۵ و ۹ میشود ۱۴ پس خواهر حسن ۹ سال داشت :

$$\begin{array}{r} ۱۴ \\ -۵ \\ \hline ۹ \end{array}$$

۹ و چند میشود ۱۴ ؟ جواب میدهید ۹ و ۵ و مینویسید

$$\begin{array}{r} ۱۴ \\ -۹ \\ \hline ۵ \end{array}$$

۵- ۷ و ۷ میشود ۱۴

$$\begin{array}{r} ۷ \\ +۷ \\ \hline ۱۴ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۴ \\ -۷ \\ \hline ۷ \end{array}$$

۷ و ۷ را دو ۷ تا نیز میگویند .

۶- این جمعها و تفریقها را خوب یاد بگیرید :

$$\begin{array}{r} ۷ \\ +۷ \\ \hline ۱۴ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۶ \\ +۸ \\ \hline ۱۴ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۸ \\ +۶ \\ \hline ۱۴ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۵ \\ +۹ \\ \hline ۱۴ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۹ \\ +۵ \\ \hline ۱۴ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۱۴ \\ -۷ \\ \hline ۷ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۴ \\ -۶ \\ \hline ۸ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۴ \\ -۸ \\ \hline ۶ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۴ \\ -۵ \\ \hline ۹ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۴ \\ -۹ \\ \hline ۵ \end{array}$$

ورزش

احمد همیشه در دبستان افسرده و غمگین بنظر میآمد . وقتی

درس حساب

۱- جواب هر یک را تند بگوئید :

۵	۸	۱۲	۸	۱۴	۶	۱۳	۱۲
۹+	۶+	۶−	۱+	۹−	۸+	۷−	۸−
۱۴	۱۲	۶	۷	۱۴	۱۱	۱۲	۷
۸−	۳−	۶+	۵−	۷−	۵−	۶−	۷+
۵	۱۱	۸	۱۳	۱۱	۱۴	۱۳	۱۱
۶+	۷−	۵+	۹−	۴−	۶−	۵−	۸−

۲- ۷ و ۵ برابر ۱۰ است، چند؟ ۶ و ۸ برابر ۱۰ است، چند؟

۵ و ۹ ״ ۱۰ ״ ؟ ۴ و ۷ ״ ۱۰ ״ ؟

۶ و ۵ ״ ۷ ״ ؟ ۳ و ۹ ״ ۶ ״ ؟

۴ و ۸ ״ ۳ ״ ؟ ۷ و ۷ ״ ۸ ״ ؟

۳- بجای هر نقطه عددی مناسب بگذارید :

۹	۱۴	•	۱۲	۶	۱۳
•+	•−	۷+	•−	۶+	۹−
۱۱	۸	۱۲	۶	•	•

میکنم. آموزگار با حمد گفت اگر شما هم بازی کنید همیشه خندان و خوشحال خواهید بود.

ورزش برای همه کس از کودک، جوان و پیر لازم است. راه رفتن، دویدن، شنا کردن و سواری همهٔ اینها ورزش است. بعضی کارهای خانه از قبیل تُلمبه زدن، هیزم شکستن و بیل زدن هم ورزش است. هرچه ازاین کارها بکنید برای سلامت و زور بازوی شما خوبست.

سؤال ۱- آیا شما ورزش میکنید؟ چه نوع ورزشی میکنید؟ کی بشما ورزش یاد میدهد؟ آیا در خانه برای مادرتان کار میکنید؟ اگر ورزش نکنیم چه میشود؟ فایدهٔ ورزش چیست؟ حالا تعریف کنید که در دبستان چطور ورزش میکنید و در خانه چطور.

۲- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید:

راه رفتن   دویدن   شنا کردن   هیزم شکستن
بیل زدن   تلمبه زدن   لاغر   با نشاط   افسرده
غمگین   یقین



واحمد که همبازی بودند، صبح زود بدبستان آمدند همه لباس
پشمی پوشیده بودند و دستکش هم داشتند.

هوا سرد بود و بچه ها وقتی نفس می کشیدند بُخارِ دهانشان
دیده میشد. میدان بازی را برف گرفته بود و بهر جا که چشم
میانداختند از کوه و درختها و بامها همه پر از برف بود.
هوشنگ و مسعود که از همه بزرگتر بودند یک آدمکِ برفی درست

.	.	۱۳	۷	۱۲	۱۴
+۵	−۹	−.	+۴	−.	−.
۱۳	۵	۷	.	۴	۹

۴ـ حاصل جمع عددهای هرستون را بگوئید :

۲	۸	۵	۵	۷	۶	۲	۴
۲	۱	۴	۳	۰	۱	۷	۴
۹	۴	۳	۵	۷	۶	۵	۶

۳	۳	۵	۲	۴	۴	۷	۳
۵	۶	۲	۳	۵	۴	۱	۶
۳	۵	۷	۶	۴	۵	۴	۱

زمستان

پائیز تمام شده و حالا زمستان است .

در زمستان هوا سرد میشود و آب یخ میزند . زمستان فصل برف بازی است .

دیشب برف بسیار باریده بود . هوشنگ و مسعود و حمید

درس حساب

۱- فریدون در قلکش ۸ ریال پول داشت و برادر بزرگش ۷ ریال بیش از او داشت برادرش چند ریال داشت ؟

جواب میدهید ۸ ریال و ۷ ریال میشود ۱۵ ریال پس برادر بزرگش ۱۵ ریال در قلک خود داشت

$$\begin{array}{r} ۸ \\ +۷ \\ \hline ۱۵ \end{array} \qquad \begin{array}{r} ۷ \\ +۸ \\ \hline ۱۵ \end{array}$$

۲- احمد یک جفت جوراب و یک گلدان گل خریده بود به ۱۵ ریال میگفت قیمت جفت جوراب ۷ ریال شده است پس قیمت گلدان گل چند شده بود ؟

میدانیم ۷ و ۸ میشود ۱۵ پس قیمت گلدان گل ۸ ریال شده بود

$$\begin{array}{r} ۱۵ \\ -۷ \\ \hline ۸ \end{array}$$

۳- این جمعها و تفریقها را خوب یاد بگیرید :

$$\begin{array}{r} ۷ \\ +۸ \\ \hline ۱۵ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۸ \\ +۷ \\ \hline ۱۵ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۶ \\ +۹ \\ \hline ۱۵ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۹ \\ +۶ \\ \hline ۱۵ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۵ \\ -۷ \\ \hline ۸ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۵ \\ -۸ \\ \hline ۷ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۵ \\ -۶ \\ \hline ۹ \end{array} \quad \begin{array}{r} ۱۵ \\ -۹ \\ \hline ۶ \end{array}$$

گردند . بعد همگی برف را در میانِ مُشت های خود گلوله میکردند و گلوله ها را بطرف آدم برفی پرتاب میکردند . بچه های دیگر هم روی برفها سُر میخوردند . و هر وقت یکی از آنها زمین میخورد همه میخندیدند همینکه زنگ بصدا درآمد همه بچه ها با خوشحالی بکلاس درس وارد شدند .

۱- زمستان پس از چه فصلی میآید ؟ هوا چطور است ؟ زمستان چند ماه است ؟ میتوانید اسم ماههای زمستان را بگوئید ؟ چه وقت برف باریده بود ؟ بچه ها چه کردند ؟ چرا لباس پشمی پوشیده بودند ؟ بچه ها وقتی نفس میکشیدند چه دیده میشد ؟ کجا ها را برف گرفته بود ؟ که آدمک برفی ساخت ؟ بچه ها گلوله های برفی را بطرف چه میانداختند ؟ بچه های دیگر چه میکردند ؟

۲- حالا حکایت را بزبان ساده بگوئید .

۳- این کلمه ها و جمله ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

همبازی آدم آدمک دی بهمن اسفند

سُر میخوردند میخندیدند

۴- از روی این سرمشق ده بار بنویسید: پوششِ گندم برفِ زمستان است

تسبیح در دست پدرم ماند و بابا گفت ۹ دانه ریخته است بگردید پیدا کنید

من به پدرم گفتم مگر تسبیح شما ۱۷ دانه داشت ؟

پدرم گفت بلی از کجا فهمیدی ؟ گفتم برای اینکه ۸ و ۹ میشود ۱۷

۱۷	۱۷	۸	۹
۸-	۹-	۹+	۸+
۹	۸	۱۷	۱۷

۸- ۹ و ۹ میشود ۱۸ ، ۹ و ۹ را دو ۹ تا نیز میگویند .

۹- این جمعها و تفریقها را خوب یاد بگیرید :

۹	۸	۱۷	۱۷	۹	۱۸
۸+	۹+	۹-	۸-	۹+	۹-
۱۷	۱۷	۸	۹	۱۸	۹

سینه پهلو

پرویز صبح وقتی که داخل کلاس میشد گریه میکرد .

آموزگار : پرویز چرا گریه میکنی ؟

۴- ۷ روز است که سیاوش با پدر و مادر خود بده رفته است و قرار است که ۹ روز دیگر هم در ده بمانند چند روز در ده میگذرانند؟

جواب میدهید ۹ روز و ۷ روز که میشود ۱۶ روز پس ۱۶ روز در ده میگذرانند

۹	۷
+۷	+۹
۱۶	۱۶

۹ و چند میشود ۱۶ ؟ ۷ و چند میشود ۱۶ ؟

۱۶	۱۶
-۹	-۷
۷	۹

۵- ۸ و ۸ میشود ۱۶؛

۸	۱۶
+۸	-۸
۱۶	۸

۸ و ۸ را دو ۸ تا نیز میگویند.

۶- این جمعها و تفریقها را خوب از بر کنید؛

۱۶	۱۶	۱۶	۸	۷	۹
-۸	-۷	-۹	+۸	+۹	+۷
۸	۹	۷	۱۶	۱۶	۱۶

۷- پدرم تسبیح دانه درشتی داشت امروز نخ آن پاره شده

شد . حالا شما حرفهای مرا گوش کنید تا بیمار نشوید :

در موقع بازی خود را زیاد خسته نکنید و چون بدنتان عرق میکند پس از بازی فوراً بدن را خشک کنید و زود لباسهای خود را بپوشید تا سرما نخورید و بیمار نشوید .

هیچوقت در زمستان بدون پالتو یا پوشش دیگر از اطاق گرم بیرون نیائید .

نقاشی : این شکلها را از راست بچپ بکشید .

درس حساب

۱ - حاصل هر یک از این جمعها و تفریقها را تند بگوئید :

۷ +۹	۶ +۷	۱۴ −۷	۱۷ −۹	۵ −۹	۷ +۸
۱۸ −۹	۱۶ −۸	۷ +۵	۹ +۹	۱۵ −۹	۱۲ −۸



پرویز - برادرم ناخوش است امروز صبح طبیب گفت برادرم سینه پهلو کرده است باید او را ببیمارستان بُرد .

آموزگار : پرویز عزیزم اینکه گریه ندارد البته مریض را باید به مریضخانه ببَرند تا با دِقت از او پرستاری شود .

پرویز - دو روز پیش با بَرادرم بازی میکردم حالش خیلی خوب بود نمیدانم چه شد که ناگهان مریض شد .

آموزگار - برادرت برای اینکه باندرزهای من عمل نکرد مریض

۱۵ ریال است حسین ۸ ریال بیشتر داشت چند ریال کم داشت؟

۶- در ساعت ورزش طنابی را از هر طرف ۸ نفر میکشید ند چند نفر

آن طناب را میکشیدند ؟

۷- دو ۶ تا چند تا است ؟ دو ۸ تا چند تا است ؟

۸- اگر شنبه اوّل ماه باشد شنبهٔ بعد چندم میشود ؟

شنبه چهارم ماه است سه شنبهٔ بعد چندم ماه خواهد بود ؟

پنجشنبه ششم ماه است پنجشنبهٔ بعد چندم ماه است ؟

بُز و بُزغاله

بُز بصحرا رود و بُزغاله | کند از دوری مادر ناله
دَمبدم بَع بَع و فریاد کند | مادرش را بصدا یاد کند
بُز بصحرا برود با چوپان | از گیاهان خورد و آب روان
چونکه پُر شیر شود پستانش | باز گردد گله با چوپانش

۱۷	۱۲	۱۵	۶	۷	۱۳
۸-	۹-	۷-	۹+	۴+	۶+

۲- ۷ و ۵ برابر است با ۹ و چند؟ ۶ و ۹ برابر است با ۷ و چند؟

۶ و ۸ برابر است با ۱۰ و چند؟ ۳ و ۹ برابر است با ۶ و چند؟

۹ و ۷ برابر است با ۸ و چند؟ ۷ و ۷ برابر است با ۱۰ و چند؟

۳-

کدام بزرگتر است؟	کدام کوچکتر است؟
۸ و ۷ یا ۵ و ۹	۴ و ۹ یا ۶ و ۶
۷ دوتا یا ۶ و ۸	۳ و ۸ یا دو ۵ تا
۶ و ۹ یا دو ۸ تا	۵ و ۷ یا ۲ و ۹
۸ و ۵ یا ۴ و ۹	۷ و ۹ یا ۸ و ۷

۴- ۱۳ روز یک هفته و چند روز است؟ ۱۵ روز یک هفته و چند روز است؟ دو هفته چند روز است؟

۵- حسین توپ قشنگی دید خواست آن را بخرد فروشنده گفت قیمت آن

۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
+۲	+۳	+۴	+۵	+۶	+۷	+۸	+۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸

۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
+۳	+۴	+۵	+۶	+۷	+۸	+۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷

۷	۷	۷	۷	۷	۷
+۴	+۵	+۶	+۷	+۸	+۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

۶	۶	۶	۶	۶
+۵	+۶	+۷	+۸	+۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

۵	۵	۵	۵
+۶	+۷	+۸	+۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

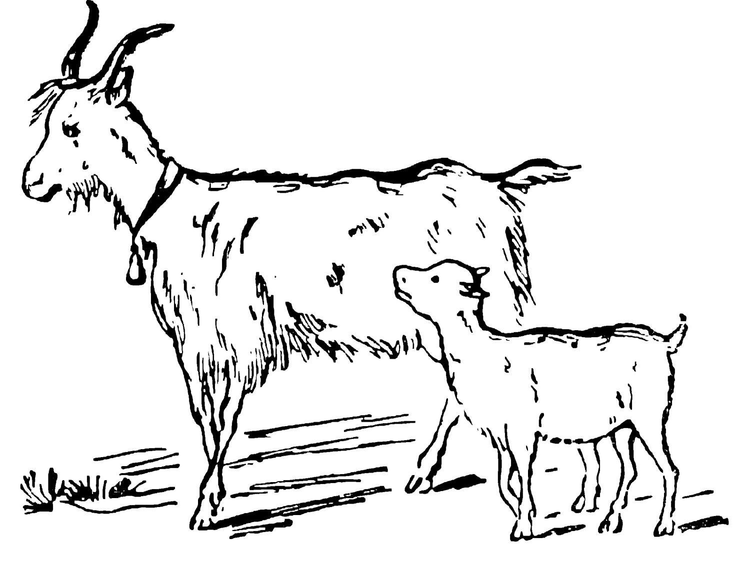
۴	۴	۴
+۷	+۸	+۹
۱۱	۱۲	۱۳

۳	۳
+۸	+۹
۱۱	۱۲

۲
+۹
۱۱

۲ـ در این جدول چند جمع است؟ حاصل جمع چند تای آنها ۱۱ است؟ آنهارا دریک سطر بنویسید همینطور جمعهائیرا که حاصل آنها ۱۲ میباشد دریک سطر زیر سطر پیش بنویسید همچنین جمعهائیرا که حاصل

بُزکِ ما بَدَوَد پیشا پیش　　تا دهد شیر به بزغالهٔ خویش



۱- برای چه بُز بصحرا میرود ؟ بُزغاله چرا صدا میکند ؟ بُز در صحرا چه میخورد ؟ چه وقت بُز بده برمیگردد ؟ برای چه پیشا پیش میدود ؟

درس حساب

۱- این جدول جمع است خوب آنرا یاد بگیرید :

۴ - در این جدول چند تفریق می بینید ؟ باقیماندهٔ چند تای آنها ۹ است ؟ آنهارا دریک سطر بنویسید همینطور تفریقهائی راکه باقیماندهٔ آنها ۸ میباشد دریک سطر زیر سطر پیش بنویسید همچنین تفریقهائی که باقیماندهٔ آنها ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ باشد بدین ترتیب همان جدول پیش بشکل دیگر درست میشود .

کبوتر و مورچه

یک روز مورچه ای از کنار جوی آبی میگذشت پایش لغزید و بآب افتاد ؛ کم مانده بود غرق شود . کبوتری در آن نزدیکی روی شاخهٔ درختی نشسته بود . مورچه را دید و دلش بحال او سوخت برگی را بآب انداخت مورچه روی آن برگ نشست و بکنار آمد .

در این موقع یکنفر شکارچی پیدا شد و نشانه رفت تا کبوتر را شکار کند . مورچه او را دید و با خود گفت حالا وقت آن است که

آنها ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ باشد.

بدینطریق یک جدول جمع از همان جمعها بشکل دیگر درست میکنید.

۴- این جدول تفریق را خوب یاد بگیرید.

۱۱ -۲ ۹	۱۱ -۳ ۸	۱۱ -۴ ۷	۱۱ -۵ ۶	۱۱ -۶ ۵	۱۱ -۷ ۴	۱۱ -۸ ۳	۱۱ -۹ ۲
۱۲ -۳ ۹	۱۲ -۴ ۸	۱۲ -۵ ۷	۱۲ -۶ ۶	۱۲ -۷ ۵	۱۲ -۸ ۴	۱۲ -۹ ۳	
۱۳ -۴ ۹	۱۳ -۵ ۸	۱۳ -۶ ۷	۱۳ -۷ ۶	۱۳ -۸ ۵	۱۳ -۹ ۴		
۱۴ -۵ ۹	۱۴ -۶ ۸	۱۴ -۷ ۷	۱۴ -۸ ۶	۱۴ -۹ ۵			
۱۵ -۶ ۹	۱۵ -۷ ۸	۱۵ -۸ ۷	۱۵ -۹ ۶				
۱۶ -۷ ۹	۱۶ -۸ ۸	۱۶ -۹ ۷					
۱۷ -۸ ۹	۱۷ -۹ ۸						
۱۸ -۹ ۹							

تا میتوانید بدیگران کومک کنید

کار دستی: تهٔ مداد خود را دور بیندازید.
وسط یک صفحهٔ گرد مقوا را سوراخ کنید
و مداد خود را در آن جای دهید تا فرفره
درست بشود.

درس حساب (*)

۱- باید بتوانید جوابهای جمعها و تفریقهای هر سطر را در یک دقیقه بگوئید

۲ +۹	۱۲ -۸	۱ +۹	۱۱ -۸	۵ +۷	۱۳ -۷	۲ +۷	۱۵ +۸	۹ +۹
۱۲ -۳	۱۳ -۴	۴ +۷	۹ +۶	۱۴ -۵	۷ +۸	۱۰ -۴	۲ +۹	۱۳ -۵
۴ +۹	۱۱ -۶	۱۵ -۷	۱۴ -۶	۶ +۹	۱۰ -۶	۸ +۵	۱۲ -۳	۶ +۸
۵ +۵	۹ +۵	۱۰ -۱	۴ +۸	۱۷ -۸	۱۱ -۷	۷ +۶	۱۲ -۴	۱۳ -۶
۱۲ -۶	۶ +۶	۱۸ -۹	۸ +۸	۵ +۹	۱۷ -۹	۱۵ -۶	۷ +۹	۱۶ -۷

(*) این درس شامل نمونهٔ سؤالهائی است که آموزگاران خواهند کرد، مادام که همهٔ شاگردان بخوبی از عهدهٔ جواب بر نیایند نباید درس ۱۲۲ حساب شروع گردد

من هم یکو مک کبوتر بروم پیش دویدو پای شکارچی را سخت گزید. شکارچی تکان خورد و نتوانست خوب نشانه گیری کند. تیر بکبوتر نخورد. کبوتر بهوا پرید و جان بسلامت برد.

اگر بدیگران نیکی کنید بخود شما هم نیکی خواهد رسید.

۱- چرا مورچه بآب افتاد؟ کبوتر کجا نشسته بود؟ کبوتر چه دید؟ چه کرد؟ مورچه چگونه بکنار آمد؟ شکارچی چه میکند؟ اینجا میخواست چه کند؟ کی او را دید؟ مورچه با شکارچی چه کرد؟ آیا تیر شکارچی بکبوتر خورد؟ کبوتر چه کرد؟ ما باید با دیگران چگونه رفتار کنیم؟ نیکی بمردم چه فایده دارد؟

۲- حکایت را شمرده جلو همشاگردیهایتان بیان کنید

۳- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید:

پایش لغزید غرق دلش سوخت شکار شکارچی

نشانه رفت نشانه گیری بهوا پرید نیکی کنید

۴- دو بار از روی این حکایت بنویسید. روی خط بنویسید. روشن بنویسید. نقطه ها سر جایشان بگذارید. دندانه ها و سرکشها را درست بگذارید.

۵- از روی این سرمشق ده بار بنویسید:

۱۵ باشد

۶		۸
۷		
	۹	

۵- کدام بیشتر است؟ دو ۷ تا یا ۱۵ ؟

۷ و ۹ یا ۸ و ۸؟ ۵ و ۸ یا ۴ و ۱۰ ؟

دو ۸ تا یا ۹ و ۶ ؟ ۴ و ۹ یا ۵ و ۷ ؟

۶ و ۵ یا ۳ و ۹؟ دو ۹ تا یا ۹ و ۱۰؟ ۵ و ۱۰ یا ۸ و ۷ ؟

۶- تفاوت هر یک از عددهای دور این شکل را با عدد ۸ که در وسط است حساب کنید بعد خودتان بجای ۸ وسط یکدفعه ۹ و یکدفعه هم ۷ بنویسید و تفاوتها را بگوئید.

۱۷ ۱۲ ۱۰ ۹ ۸ ۱۴ ۵ ۱۶ ۸

۷- ۹ و ۱ برابر ۵ است و چند؟ ۸ و ۲ برابر ۳ است و چند؟

۴ و ۶ « ۱۰ « « ؟ ۳ و ۷ « ۶ « « ؟

۵ و ۵ « ۸ « « ؟ ۶ و ۴ « ۹ « « ؟

۸- ۳ و ۷ مثل ۸ و چند است؟ ۱ و ۳ مثل ۰ و چند است؟

۱- حاصل جمع عدد های هر ستون را پیدا کنید :

۶	۵	۲	۳	۴	۲	
۲	۱	۷	۶	۰	۷	۳
۸	۶	۹	۲	۸	۳	۹

۳	۱	۲	۱	۸	۳	۷
۴	۹	۶	۷	۱	۷	۱
۷	۷	۳	۸	۲	۵	[illegible]

۸	۴	۶	۲	۳	۵	۶
۰	۵	۱	۲	۳	۵	[illegible]
۸	۸	۳	۸	۹	۵	[illegible]

۳- ۱۷ از هر یک از این عدد ها چند تا بیشتر است ؟

۱۰ و ۸ و ۶ و ۵ و ۳ و ۹ و ۴ و ۷

همینطور ۱۵ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۳

۴- در خانه های خالی این شکل عدد هائی بنویسید بطوریکه حاصل

جمع عدد های خانه های هر ستون و همچنین عدد های خانه های سطر

پنجریالی است ؟

دو نوع پنجریالی داریم : پنجریالی نقره و پنجریالی کاغذی یا اسکناس پنجریالی (۱)

۱۶- دو پنجریالی میشود ۱۰ ریال

دو پنجریالی را میتوان با یک ده ریالی نقره یا با یک اسکناس ده ریالی عوض کرد .

یک ده ریالی مساوی یک پنجریالی و یک دو ریالی و چند یکریالی است ؟
پرویز یک اسکناس ده ریالی و یک پنجریالی بمنوچهر داد و در عوض ۷ یکریالی و ۵ دوریالی گرفت . آیا منوچهر اشتباه کرده است ؟ چقدر زیادیا کم داده است ؟

ساختن خانه

آیا میدانید چه کسانی کار میکنند تا یک خانه ساخته میشود ؟
نقشهٔ خانه را معمار میکشد : آجر و آهک و گچ و سیمان را کارگران

(۱) آموزگاران مسکوک و اسکناس پنجریالی و دوریالی را بدانش آموزان نشان خواهند داد .

۴ و ۷ مثل ۹ و چنداست ؟ ۲ و ۹ مثل ۶ و چنداست ؟

۹- ۵ و ۷ مثل ۸ و چنداست ؟ ۹ و ۳ مثل ۶ و چنداست ؟

۶ و ۶ 〃 ۷ 〃 〃 ؟ ۸ و ۴ 〃 ۵ 〃 〃 ؟

۱۰- ۸ و ۵ مثل ۷ و چنداست ؟ ۴ و ۹ مثل ۶ و چنداست ؟

۶ و ۷ 〃 ۵ 〃 〃 ؟ ۱۰ و ۳ 〃 ۴ 〃 〃 ؟

۱۱- ۷ و ۷ مثل ۹ و چنداست ؟ ۸ و ۶ مثل ۵ و چنداست ؟

۱۲- ۸ و ۷ مثل ۹ و چنداست ؟ ۶ و ۹ مثل ۷ و چنداست ؟

۱۳- ۸ و ۸ مثل ۷ و چنداست ؟ ۶ و ۱۰ مثل ۹ و چنداست ؟

۱۴- ۹ و ۹ برابر ۸ و چنداست ؟

۱۵- میدانید ۳ یکریالی و ۲ یکریالی میشود ۵ ریال .

۵ یکریالی را میشود با یک پنجریالی هم عوض کرد .

پس یک پنجریالی برابراست با ۵ یکریالی

حالا بگوئید : دو پنجریالی برابر چند یکریالی است ؟ یک پنجریالی را با چند دوریالی و چند یکریالی میتوان عوض کرد ؟ دو پنجریالی را با چند دوریالی میتوان عوض کرد ؟ سه دوریالی و چهار یکریالی برابر چند

پس می بینید که برای ساختن یک خانه کارگران بسیاری از قبیل کوره پز بنا، نجار آهنگر شیشه بر و نقاش باید باهم همکاری کنند همینطور هر چیزی که ما در زندگی لازم داریم باکوشش یک دیگران فراهم میشود .

بچه های عزیز شما هم باید خوب درس بخوانید تابتوانید کاری یاد بگیرید و با دیگران همکاری کنید

۱ـ بتصویر ساختمان نگاه کنید . چند نفر بنا روی ساختمان می بینید ؟ چند نفر عمله در آنجا هستند ؟ آنکه روی ساختمان است چه میکند ؟ آن دیگر که پائین است چه در دست دارد و چه میکند ؟ چه ساختمان چه ریخته اند ؟ بنا چه کار میکند ؟

۲ـ بتصویر دکان نجاری نگاه کنید چند نفر کار میکنند ؟ در دست هر یک چه چیز است ؟ بر دیوار چه چیزها آویخته است ؟ روی زمین چه می بینید ؟ نجار چه میسازد ؟ از افزار نجاری کدام را میشناسید ؟

۳ـ تصویر دیگر که پهلوی نجاری است تصویر چه دکانی است ؟ مردی که پیشبند دارد کیست ؟ در دست راستش چیست ؟ در دست چپش چیست ؟ در پشت سر وپیش روی او چه می بینید ؟ آهنگر چه چیزها میسازد ؟



در کوره و کارخانه
فراهم میکنند؛
بنّاها بکومک
چندین نفر عمله
اطاقها را بنا میسازند
نجّار در و پنجره
میسازد . در بعضی
خانه ها تیرآهن
و ستونهای
آهنی مصرف میشود ؛ آهنگر این آهنها را میبُرد و بهم وصل میکند؛
شیشه بُر درها و پنجره ها را شیشه میاندازد ؛ نقّاش در و دیوارها را
رنگ میکند .

یعنی ۳ را زیر ۲۵ طوری مینویسیم که درست زیر ۵ باشد بعد جمع میکنیم

۲- ۷ پرتقال در منزل داشتیم ۱۲ تا هم پدرم آورد پس رویهم چند پرتقال شد؟

۳- ۱۴ + ۳ همان $\begin{array}{r}۱۴\\+۳\end{array}$ است یعنی ۱۴ و ۳ که میشود ۱۷

حالا هر یک از این جمعها را بخوانید و حاصل آنرا بگوئید:

۱۴ + ۳	۲۴ + ۴	۳۵ + ۲	۳۸+۱	۷+۲۲
۱۲ + ۲	۱۳ + ۱	۲۱ + ۷	۲۰+۶	۲۵+۳
۲۶ + ۳	۶ + ۳۳	۱۶ + ۱	۴۵ + ۱	۳۰ + ۱
۸۰ + ۴	۲۲ + ۴	۴۰ + ۹	۶ + ۶۰	۴۲ + ۶
۱۱ + ۵	۱۸ + ۱	۶۳ + ۲	۴۷ + ۱	۳۶+۲
۴۴ + ۴	۲۳ + ۶	۷۰ + ۷	۵۵+۴	۸۲+۷

۴- ۲ هفته و ۳ روز چند روز است؟

۵- ۱۵ ریال و ۳ ریال چند ریال میشود؟ ۱۸ ریال چند تا دوریالی میشود؟

۴- … های عمارت را که میسازد ؟ که آهنها را میبرد و بهم وصل میکند ؟ که شیشهٔ در و پنجره را میسازد ؟ رنگ کاران و نقاشان چه میکنند ؟

۵- چه کسانی باید کار کنند تا یک خانه ساخته شود ؟

۶- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

نقشه معمار بنّا دیوار سقف کف اطاق نجّار

عمارت مصرف وصل نقاش همکاری درس

بخوانید

درس حساب

۱- حسن میگفت کلاس ما ۲۵ شاگرد داشت امروز ۳ شاگرد دیگر بکلاس ما آمدند حالا این کلاس چند شاگرد دارد ؟

۲۵ شاگرد یعنی ۲۰ شاگرد و ۵ شاگرد که با این ۳ شاگرد میشود ۲۰ شاگرد و ۸ شاگرد یعنی ۲۸ شاگرد

پس ۲۵ و ۳ میشود ۲۸ اینطور مینویسیم

$$\begin{array}{r} ۲۵ \\ +۳ \\ \hline ۲۸ \end{array}$$

۱۴	۳۱	۲۵	۲۳	۴۲	۱۴	۵۱
۳+	۶+	۱+	۲+	۵+	۲+	۳+
۱+	۲+	۳+	۳+	۲+	۱+	۲+
۱۹	۳۹	۲۹	۲۸	۴۸	۱۷	۵۵

هوشنگ گفت ۶ تا از این جمعها را غلط حساب کرده ای .

میتوانید این شش جمع غلط را پیدا کنید و جواب درست آنرا بگوئید؟

۹- احمد در قلک خود ۳۶ ریال داشت دائی او ۵ ریال دیگر در قلکش ریخت پس احمد چند ریال در قلک دارد ؟

کنار حوض مرو

بعلی گفت مادرش روزی / که بترس و کنار حوض مرو
رفت و افتاد ناگهان در حوض / بچه جان حرف مادرت بشنو

پارچه های پنبه ای

نسرین از آموزگار پرسید این چیزهارا که با آنها پیراهن میدوزیم چطور درست میکنند آموزگار جواب داد چلوار و چیت

۶- پدر تقی با او بکتابفروشی و نوشت افزارفروشی رفت و برای او یک کتاب به ۱۲ ریال و یک دفتر بزرگ به ۴ ریال و یک دفتر کوچک به ۳ ریال خرید و از تقی پرسید رویهم چند ریال پول داده ام؟ تقی جواب داد ۱۹ ریال بعد از او پرسید این جمع را چطور مینویسی

تقی اینطور نوشت

۱۲
۴
۳
۱۹

یعنی ۴ را زیر ۲ و ۳ را زیر ۴

۷- ۲۴ و ۳ و ۲ چند میشود ؟ همینطور ۱۱ و ۴ و ۳ چند ؟

همچنین ۴۲ و ۶ و ۱ 〃 ؟ ۳۵ و ۱ و ۲ 〃 ؟

〃 ۶۳ ۳ و ۲ 〃 ؟ 〃 ۵۰ ۳ و ۴ 〃 ؟

۸- پرویز بهوشنگ گفت خواهش میکنم این ورقهٔ حساب مرا ببین آیا درست جمع کرده ام ؟ ورقهٔ پرویز اینطور بود :

۱۲	۱۵	۱۳	۲	۱۰	۱۰	۱۲
+۶	+۱	+۳	+۹	+۶	+۱	+۴
+۱	+۲	+۴	+۷	+۴	+۳	+۴
۱۹	۱۷	۲۰	۱۹	۲۱	۱۴	۱۸

درس حساب

۱ـ ۱۷ و ۱۰ چند میشود ؟ ۱۷ و ۲۰ چند میشود ؟

۲۷ و ۱۰ « ؟ ۳۵ و ۱۰ «

۵۰ و ۴۰ « ؟ ۱۰ و ۳۰ « ؟

۲۰ و ۴۰ « ؟ ۲۰ و ۷۰ «

۳۸ و ۲۰ « ؟ ۱۶ و ۳۰ «

۲ـ ۵۰ ریال و ۳۲ ریال چند ریال میشود ؟

۵۰ ریال و ۳۲ ریال یعنی ۵۰ ریال و ۳۰ ریال و ۲ ریال که میشود ۸۰ ریال و ۲ ریال یعنی ۸۲ ریال اینطور مینویسیم

$$\begin{array}{r} ۵۰ \\ +۳۲ \\ \hline ۸۲ \end{array}$$

۳ـ شاگردان کلاس اوّل دبستان ما ۳۱ نفرند و شاگردان کلاس دوم ۲۶ نفر چند نفر شاگرد در این دو کلاس میباشد؟

باید ۳۱ و ۲۶ را با هم جمع کنیم برای این کار ۲۶ را زیر ۳۱ مینویسیم

وبسیاری از پارچه ها از پنبه است . پنبه را میتابند ونخ درست میکنند ؛ از آن نخ در کارخانه جوراب و پارچه میبافند .

پروین پرسید پنبه را از کجا میآورند . آموزگار گفت تخم پنبه را میکارند ، از تخم بوتهٔ پنبه میروید و پنبه میدهد . این شکل بوتهٔ پنبه است .

سؤال ۱- پنبه از کجا بدست میآید - پشم از کجا ؟
بوتهٔ پنبه دیده اید ؟ از پنبه چطور پارچه درست میکنند ؟

۲- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

پنبه پیراهن چیت چلوار روئیدن جوراب
کارخانهٔ نخ ریسی کارخانهٔ پارچه بافی

۳- از روی این سرمشق ده بار بنویسید :

بچه جان حرف مادرت بشنو

۴ـ گیتی روز عید از پدر بزرگش ۲۵ ریال عیدی گرفت و از مادر بزرگش ۲۰ ریال گیتی از ایشان چند ریال عیدی گرفت؟

۵ـ آموزگار ورزش شاگردانِ کلاس ما را دو دسته کرد که هر دسته ۱۴ نفر بودیم از شاگردان کلاس ما چند نفر ورزش میکردند؟

۶ـ پدر فرهاد ۴۵ ریال قند و ۱۲ ریال چای خرید چند ریال قند و چای خرید؟

کور و لنگ

مردی یک پا نداشت. از کنار کوچه ای با چوبی که زیر بغل داشت بسختی خود را میکشید. کوری عصا زنان نزدیک شد و باو گفت: آقا خواهش میکنم مرا بآنطرف کوچه برسانید. مرد لنگ گفت افسوس که من پا ندارم تا بتوانم بشما کومک کنم. کور که فهمید بمردی بیچاره برخورد کرده غمگین

۶ را زیر ۱ و ۲ را زیر ۳ اینطور: ۳۱ ‎+۲۶

اوّل ۱ و ۶ را جمع میکنیم میشود ۷ ۷ را زیر ۶ مینویسیم

بعد ۲ و ۳ را جمع میکنیم میشود ۵ ۵ را زیر ۲ مینویسیم

$$\begin{array}{r} ۳۱ \\ ۲۶ \\ \hline ۵۷ \end{array}$$

پس ۳۱ و ۲۶ میشود ۵۷ یعنی این دو کلاس ۵۷ نفر شاگرد دارد میتوانستید ۳۱ را زیر ۲۶ بنویسید بطوریکه ۱ زیر ۶ و ۳ زیر ۲ باشد باز هم حاصل جمع همان ۵۷ میشد

$$\begin{array}{r} ۲۶ \\ +۳۱ \\ \hline ۵۷ \end{array}$$

۳- جمع کنید:

۲۵	۲۴	۲۱	۲۸	۴۶	۶۵	۲۷
۲۳	۶۳	۴۷	۳۱	۵۳	۳۲	۵۲
۱۲	۳۹	۶۲	۴۳	۴۶	۸۱	۲۰
۷۴	۴۰	۳۵	۴۳	۱۲	۱۸	۴۰
۷۰	۲۵	۳۲	۲۱	۶۳	۷۴	۵۱
۱۹	۴۴	۳۲	۷۱	۳۵	۱۴	۳۲
۴۵	۶۲	۴۱	۱۶	۱۴	۲۵	۳۴
۴۴	۳۶	۵۷	۷۳	۸۲	۶۰	۱۴

بغل لنگ عصا زنان افسوس غمگین خلاص
رنج بهره مند آسوده قرار گذاشتند

درس حساب

۱- فیروز شکلهای سه کتاب را تماشا میکرد در یکی از آنها ۲۲ شکل دید و در یکی ۳۶ شکل و در دیگری ۲۱ شکل چند شکل در این سه کتاب دید؟

باید ببینیم ۲۲ و ۳۶ و ۲۱ چند میشود آنها را بترتیب زیر هم اینطور مینویسیم

۲۲
۳۶
۲۱

اول ۲ و ۶ و ۱ را جمع میکنیم میگوئیم ۸، ۹ و ۹ را زیر ۱ مینویسیم

بعد ۲ و ۳ و ۲ را جمع میکنیم میگوئیم ۵، ۷ و ۷ را زیر ۲ مینویسیم

پس فیروز در این سه کتاب ۷۹ شکل دیده است

۲۲
۳۶
۲۱
۷۹

۲- ۱۲ مداد و ۳ مداد و ۱۴ مداد چند مداد است؟

این عددها را زیر هم اینطور مینویسیم بعد جمع میکنیم

۱۲
۳
۱۴
۲۹

شده فکری کرد و گفت بیا با هم قراری بگذاریم من چشم ندارم شما پا ندارید و هر دو در زحمت هستیم ؛ اگر بخواهید میتوانیم هردو بهم کومک کنیم و از رنج خلاص شویم .

من شما را بدوش میگیرم و شما راه را بمن نشان بدهید .

لنگ با خوشحالی قبول کرد و کور او را بدوش گرفت ؛ از آن روز بعد مرد لنگ از زحمت راه رفتن آسوده شد و کور هم با آسانی راه خود را پیدا میکرد .

بچه های عزیز شما هم بیکدیگر کومک کنید تا در زندگی بهره مند شوید .

سؤال ۱ــ مرد لنگ کجا بود چطور راه میرفت ؟ بکه برخورد ؟ کور از او چه خواست ؟ لنگ چه جواب داد ؟ کور چه فکری کرد ؟ چه قراری گذاشتند ؟ از آن بعد چه کردند ! این کومک برای آنها چه فایده داشت ؟

۲ــ این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

۶- مادرم برای ما ۳ جفت جوراب خرید جفتی ۱۲ ریال

ت جورابهای ما چند ریال شد؟

نجّار

پدر جعفر نجّار است. عصرها وقتی دبستان تعطیل میشود جعفر بدکّان پدرخود میرود و بپدرش کومک میکند. او بعضی کارها نجّاری را یادگرفته است.

نجّارها اوّل چوب یا تخته را با ارّه و تیشه بهر شکلی که میخواهند درمیآورند؛ بعد با رَنده آنرا میتراشند تا صاف شود و در و پنجره و میز و نیمکت میسازند.

تخته ها و چوبها را با سریشم و میخ بهم میچسبانند

سؤال ۱- درکدام صفحهٔ ازاین کتاب تصویر کارگاه نجّاری دیده اید؟ در کارگاه نجّاری چه درست میکنند؟ پدر جعفر چه کاره است؟ عصر که دبستان تعطیل میشود جعفر کجا میرود؟ آنجا چه میکند؟ نجّار چوب را با چه میبرد؟ با چه میتراشد؟ آیا دیده اید چه چیز از جلو رنده بزمین میریزد؟ تخته ها را چطور بهم میچسبانند؟

حاصل جمع میشود ۲۹ یعنی ۲۹ مداد است

۳- عددهای هر ستون را آنطور که می بینید در دفتر خود بنویسید و جمع کنید :

۵۱	۲۲	۴۳	۲۴	۴۱	۲۵	۱۱
۱۶	۲۱	۱۳	۲	۱۰	۳۲	۳۰
۲۳	۳۰	۲۳	۲۰	۳۱	۲	۲۵
۱۲	۳۱	۵۲	۱۲	۲۳	۲۳	۷
۱۶	۱۵	۱۴	۱۲	۲۱	۲۳	۵۰
۲۳	۳	۱۱	۱۲	۱۱	۲۳	۳۱
۳۲	۱۰	۳۲	۱۶	۱۵	۱۲	۷۱
۳۲	۸	۴۰	۱۲	۲۰	۵	۱۳
۳۲	۲۰	۴۰	۳۱	۴۱	۱۱	۱۳

۴- قفسه جای کتابهای پدرم سه طبقه و هر طبقه ۱۳ کتاب دارد

چند کتاب در قفسه هست ؟

۵- در یک دکان کتابفروشی ۲۱ جلد قرآن و ۵۲ جلد کتاب

فارسی و ۲۵ جلد کتاب حساب بود چند جلد کتاب در آن دکان بود

۳- ۲ از ۹ میشود چند؟ ۲ از ۲۹ میشود چند؟ ۱ از ۷ میشود چند؟ از ۶۷ میشود چند؟

۴- ۱۰ از ۲۰ چند میشود؟ ۱۰ از ۳۰ چند میشود؟

۲۰ از ۴۰؟ ۲۰ از ۵۰؟ ۱۰ از ۶۰؟ ۷۰ از ۸۰؟

۶۰ از ۹۰؟ ۵۰ از ۷۰؟ ۳۰ از ۶۰؟ ۴۰ از ۹۰؟

۵- پدر خسرو وقتیکه از خانه بیرون رفت ۶۷ ریال داشت، وقتیکه برگشت ۲۱ ریال خرج کرده بود حالا چند ریال دارد؟

برای اینکه بفهمیم چند ریال دارد باید ببینیم وقتیکه ۲۱ ریال از ۶۷ ریال کم میشود چند ریال میماند یعنی باید ۲۱ را از ۶۷ تفریق کرد برای این کار ۲۱ را زیر ۶۷ مینویسیم اینطور

$$\begin{array}{r} 67 \\ -21 \\ \hline \end{array}$$

حالا میگوئیم ۱ و ۶ میشود ۷ ۶ را زیر ۷ مینویسیم

بعد میگوئیم ۲ و ۴ میشود ۶ ۴ را زیر ۲ مینویسیم

$$\begin{array}{r} 67 \\ -21 \\ \hline 46 \end{array}$$

۲- این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

اره رنده تیشه چوب تخته خرده چوب سریشم

میخ

۳- دو بار از روی این درس بنویسید . خوب بنویسید

۴- از روی این سرمشق دو بار بنویسید :

ز دانش به اندر جهان هیچ نیست

درس حساب

۱- میدانید که ۲ از ۷ میشود ۵ پس ۲ از ۱۷ میشود ۱۵ و ۲ از ۲۷ میشود ۲۵ حالا بگوئید :

۲ از ۳۷ میشود چند ؟ ۲ از ۵۷ ؟ ۲ از ۶۷ ؟ ۲ از ۹۷ ؟

۲- میدانید ۳ از ۹ میشود ۶ پس ۳ از ۱۹ میشود چند ؟ ۳ از ۴۹ ؟ ۳ از ۷۹ ؟

۴۲ − ۴۰	۷۲ − ۲۱	۸۳ − ۱۱	۶۵ − ۲۱	۶۸ − ۶۰	۷۵ − ۱۲
۳۷ − ۱۲	۷۸ − ۲۵	۵۶ − ۵۲	۸۶ − ۱۳	۵۹ − ۴۲	۶۲ − ۲۲
۹۸ − ۲۸	۵۹ − ۳۸	۷۲ − ۶۱	۳۶ − ۱۴	۵۷ − ۲۷	۴۱ − ۲۵

۸ – محمود ۵۶ ریال دارد و خواهرش ۲۳ ریال محمود چند ریال از خواهرش بیشتر دارد ؟

۹ – جمعیت دهی ۶۴ نفر است ۲۲ نفر آنان برای آبیاری رفته اند چند نفرشان برای آبیاری نرفته اند ؟

۱۰ – امروز از ۳۷ نفر شاگردان کلاس ما ۳۴ نفر حاضرند چند نفر غایبند ؟

۱۱ – پرویز تنها فوتبال بازی میکرد ۳۰ بار توپ را بطرف دروازه زد ۱۵ بار خطا کرد چند بار توپ از دروازه گذشت ؟

۱۲ – موقع غروب ۷۶ گاو و گوسفند از چرا برگشتند ۲۳ تای آنها گاو بود پس چند تای این گله گوسفند بود ؟

موش

فرخ – مادرجان ، ببین چه حیوان قشنگی اس ، . عباس میگوید

پس ۴۶ باقیماندهٔ تفریق ۲۱ از ۶۷ است یعنی ۴۶ ریال برای پدر خسرو مانده است .

۶- شاگردان کلاس اول یک دبستان ۳۸ نفرند و شاگردان کلاس دوم همان دبستان ۲۵ نفر کلاس اول چند نفر بیش از کلاس دوم شاگرد دارد ؟ باید تفاوت عدهٔ شاگردان این دو کلاس را پیدا کنیم برای این کار تفریق میکنیم یعنی می بینیم ۲۵ و چند میشود ۳۸ ۲۵ را زیر ۳۸ مینویسیم اینطور

۳۸
-۲۵

اول میگوئیم ۵ و ۳ هشت ۳ را زیر ۵ مینویسیم

بعد میگوئیم ۲ و ۱ سه ۱ را زیر ۲ مینویسیم

۳۸
-۲۵
۱۳

ماندهٔ این تفریق ۱۳ است پس کلاس اول ۱۳ نفر بیش از کلاس دوم شاگرد دارد .

۷- تفریق کنید :

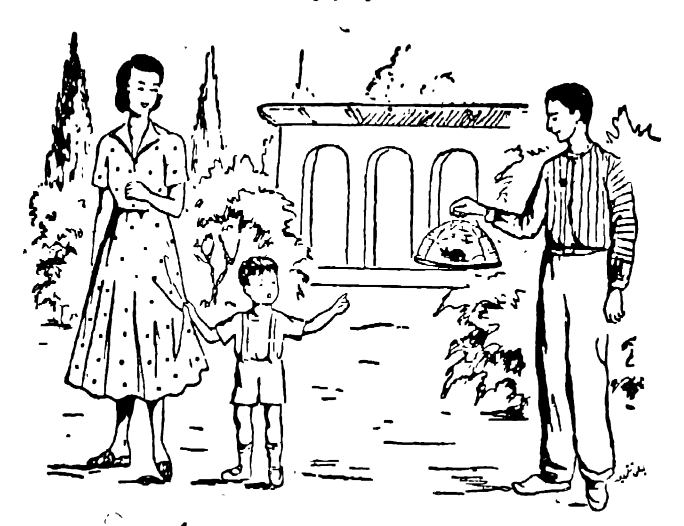
با این طرف و آن طرف میزند که خلاص بشود . زود بعباس بگو بگذارد برود .

مادر ــ لباس تو را همین موش سوراخ کرده است . بقشنگی او نگاه مکن . هرچه خوراکی پیدا کند میبرد میخورد . کتاب ، کاغذ ، لباس و قالی را میجود کف اطاقها و زیر دیوارها را خالی میکند حالا باز هم او را دوست داری ؟

فرخ ــ نه من نمیدانستم موش این اندازه بد است ، حالا که فهمیدم دیگر او را دوست ندارم .

۱ــ تله موش دیده اید ؟ تله ایکه شما دیده اید چه شکل بود ؟ عباس بفرخ چه گفته بود و چه میخواست بکند ؟ مادر چه گفت ؟ فرخ چه گفت ؟ لباس چرا در صندوق سوراخ شده بود ؟ موش در تله چه میکرد ؟ اگر در تله را باز کنند چه میشود ؟ موش چه چیزهای دیگر را میجود ؟ چه چیزها را میخورد ؟ دشمن موش را میشناسید ؟ اسمش چیست ؟

۲ ــ این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :



دیشب در تله افتاده است وحالا میخواهد او را بکشد .

مادر – عباس خوب کاری میکند .

فرخ – نه مادر جان من او را خیلی دوست دارم و میخواهم با او
بازی کنم .

مادر – عزیزم دیروز دیدی لباست را که از صندوق درآوردم
دامنش سوراخ شده بود ؟

فرخ – تقصیر این حیوان قشنگ چیست ؟ ببین چگونه خودش را

۲- این عددها را بخوانید و معنای هریک را بگوئید

۵۰۰	۷۰۰	۳۰۰	۶۰۰	۴۰۰
۹۰۰	۱۰۰	۸۰۰	۲۰۰	

۳- اگر تخم مرغ فروش ۴ جعبهٔ ۱۰۰ تائی و ۲۵ دانه تخم مرغ داشته باشد میگوئیم چهارصد و بیست و پنج تخم مرغ دارد که اینطور مینویسیم ۴۲۵

۴- این عددها را بخوانید و معنای هریک را بگوئید.

۷۸۱	۵۱۰	۲۳۶	۴۶۳	۳۷۵
۱۶۴	۲۳۸	۶۷۰	۴۹۹	۹۱۵
۹۴۰	۳۳۳	۱۱۹	۳۱۷	۸۸۲

۵- ۲۰۰ پرتقال و ۷ پرتقال میشود دویست و هفت پرتقال دویست و هفت را اینطور مینویسیم ۲۰۷

حیوان تله عبّاس صندوق دامن تقصیر

این طرف وآنطرف خلاص کتاب کاغذ لباس

قالی فهمیدم موش گربه

۴ـ دوبار این درس را در دفتر خود بنویسید . دقّت کنید تا همانطور که در کتاب هست بنویسید

درس حساب

۱ـ تخم مرغ فروشی دو جعبه تخم مرغ دارد که در هر کدام ۱۰۰ تخم مرغ میباشد پس عدهٔ تخم مرغهای این دو جعبه دو ۱۰۰ تا است . بجای دو ۱۰۰ تا میگوئیم دویست و آنرا اینطور مینویسیم ۲۰۰

اگر یک جعبهٔ ۱۰۰ تائی دیگر هم بخرد عدهٔ تخم مرغهای او میشود سه ۱۰۰ تا و یا سیصد که آنرا اینطور مینویسیم ۳۰۰

حالا بگوئید ۳۰۰ برابر ۲۰۰ و چند است ؟

پنج ۱۰۰ تا را پانصد میگوئیم و آنرا اینطور مینویسیم ۵۰۰

بهار



زمستان که تمام شد فصل بهار میرسد . فروردین ماهِ اوّل بهاراست
عید نوروز از اوّل فروردین ماه شروع میشود . روزهای عید دبستان
تعطیل است . در بهار هوا خوب و خوش است ، باران میبارد ،
برفها آب میشود ، کوه و صحرا سبز و خرّم میگردد ، گلها و شکوفه هائی
درختان باز میشوند . گوسفندان در بهار میزائیند و در این فصل شیر

۶- این عددها را بخوانید و معنای هریک را بگوئید :

۸۰۱ ۵۰۹ ۴۰۳ ۷۰۶ ۲۰۷

۳۰۸ ۶۰۵ ۱۰۸ ۳۰۲ ۹۰۴

۷- ۲۵۷ یعنی ۲۰۰ و چند ؟ ۳۰۷ یعنی ۷ و چند ؟ ۸۲۰ یعنی ۲۰ و چند ؟

۸- ۳۰۰ گردو و ۴۵ گردو میشود چند گردو ؟ ۳۰۰ گردو و ۱۲۰ گردو میشود چند گردو ؟ ۲۲۵ و ۲۰۰ میشود چند ؟

۹- پرتقال فروشی دو جعبه پرتقال خرید که در یکی ۱۰۰ پرتقال بود و در دیگری ۱۵۰ پرتقال در این دو جعبه چند پرتقال بود ؟ بگوئید و بنویسید .

۱۰-

کدام بزرگتر است ؟	کدام کوچکتر است ؟
۷۰۵ یا ۶۹۳	۵۲۷ یا ۴۷۹
۲۰۰ یا ۲۹۰	۸۱۷ یا ۷۹۸
۴۶۳ یا ۳۶۸	۳۳۱ یا ۲۹۹

۷۵	۷۷	۳۶	۴۰	۶۷	۷۵	۴۶
۷۲	۶۱	۹۲	۸۷	۶۲	۴۳	۶۳
۲۷	۷۲	۹۷	۹۴	۷۵	۵۹	۹۸
۸۱	۳۵	۱۲	۸۴	۳۳	۷۰	۹۰

۳- پرتقال فروشی ۷۵ پرتقال فروخته و ۴۲ پرتقال برایش باقیمانده است.
پرتقال فروش چند پرتقال داشته است ؟

۴- جمشید ۶۴ صفحه از کتابش را خوانده است و ۵۴ صفحه باقی را هنوز نخوانده است کتابش چند صفحه دارد ؟

۵- فرخ ۵۲ صفحه از کتاب خود را خوانده است میگوید اگر این هفته بتوانم ۲۵ صفحه دیگر بخوانم ۳۲ صفحه از کتاب میماند کتابش چند صفحه دارد ؟

عدهٔ صفحه های کتاب پرویز حاصل جمع ۵۲ و ۲۵ و ۳۲ است که اینطور مینویسیم

۵۲
۲۵
۳۲

۶- شاگردان سه کلاس یک دبستان برای تماشای یک نمایش روز جمعه به بستان

وماست وکرِه فراوان است .

سه ماه بهار را فروردین واُردیبهشت وخرداد مینامند .

درس حساب

۱- تخم مرغ فروشی دو زنبیل تخم مرغ دارد که دریکی ۵۴ تخم مرغ است ودر دیگری ۷۳ تخم مرغ در دو زنبیل چند تخم مرغ است ؟

برای اینکه بفهمیم در دو زنبیل چند تخم مرغ است باید ببینیم ۵۴ و ۷۳ چند میشود برای این کار ۷۳ را زیر ۵۴ مینویسیم اینطور

$$\begin{array}{r} ۵۴ \\ +۷۳ \\ \hline ۱۲۷ \end{array}$$

اول ۴ و ۳ را جمع میکنیم میشود ۷ ۷ را زیر ۳ مینویسیم بعد ۵ و ۷ را جمع میکنیم میشود ۱۲ ۱۲ را طرف چپ ۷ مینویسیم پس ۵۴ و ۷۳ میشود ۱۲۷ یعنی در دو زنبیل ۱۲۷ تخم مرغ است .

۲- جمع کنید :

شهریور آید انگور   با خوشه های زیبا
مهر از انارِ خندان   پُر میشود درختان
آبان به و خربُزه   پیدا شود فراوان
آذر کم کم میبارد   از ابر تیره باران
دی پرتقال و لیمو   پیدا شود بهر سو
بهمن ز برف و سرما   یخ میزند سرورو
اسفند آید بنفشه   سبزه دَمَد لب جو

درس حساب

۱- میدانید ۳ و ۷ میشود ۱۰ پس ۱۳ و ۷ میشود ۲۰

اینطور مینویسیم $\frac{\begin{array}{r}۱۳\\ +۷\end{array}}{۲۰}$ حالا بگوئید

۲۳ و ۷ چند است ؟ ۳۳ و ۷ ؟ ۵۳ و ۷ ؟ ۷ و ۷۳ ؟

۲- میدانید ۴ و ۶ میشود ۱۰ ؟ پس ۱۴ و ۶ میشود ۲۰ حالا بگوئید

آمدند از کلاس اول ۴۰ نفر از کلاس دوم ۳۵ نفر و از کلاس سوم ۳۲ نفر از این سه کلاس چند نفر برای تماشای نمایش آمدند ؟

۴- جمع کنید :

۲۵	۴۱	۶۰	۱۵	۲۱	۷۴
۷۳	۵۴	۲۵	۳۱	۴۵	۳۳
۱۱	۳۲	۳۳	۸۰	۵۳	۴۱

۵۲	۷۳	۱۸	۲۲	۱۱	۳۲
۶۱	۱۲	۴۱	۲۳	۴۷	۴۳
۱۵	۴۰	۷۰	۵۳	۶۰	۸۱

دوازده ماه

فروردین ماهِ گلها دنیا دارد تماشا
اردیبهشت از سبزه زیبا میگردد صحرا
خرداد آید پیاپی میوه های گوارا
تیر آرد با خود گرما گرمک میگردد پیدا
مرداد از هندوانه پُر میشود همه جا

ا و گفت من ۸ مسأله بیشتر حل کرده ام هوشنگ چند مسأله حل کرده

ست ؟

باید ببینیم ۲۶ و ۸ چند میشود میدانیم ۶ و ۸ میشود ۱۴ پس ۲۶ و ۸ میشود ۳۴ یعنی هوشنگ ۳۴ مسأله حل کرده است .

برای اینکه ۲۶ را با ۸ جمع کنیم ۸ را زیر ۲۶ طوری مینویسیم که ۸ زیر ۶ باشد اینطور $\frac{۲۶}{۸}$ اول ۸ و ۶ را جمع میکنیم میشود ۱۴ ۴ را زیر ۸ مینویسیم و میگوئیم ۱۰ ا بریک ۱ را با ۲ جمع میکنیم میشود ۳ ۳ را سمت چپ ۴ مینویسیم

۲۶
۸+
۳۴

پس ۲۶ و ۸ میشود ۳۴

۸- جمع کنید :

۳۶	۱۵	۲۸	۳۲	۷۳	۵۶	۴۵
۵+	۷+	۶+	۹+	۸+	۴+	۹+
۸۲	۳۹	۱۸	۳۷	۲۸	۱۹	۶۶
۸+	۲+	۹+	۷+	۸+	۹+	۶+

۲۴ و ۶ چند است ؟ ۳۴ و ۶ ؟ ۵۴ و ۶ ؟ ۸۴ و ۶ ؟

۳- بخوانید و حاصل جمع هریک را بگوئید :

۹۱	۷۲	۲۹	۴۶	۲۷	۱۵
۹+	۸+	۱+	۴+	۳+	۵+
۹۹	۵۰	۳۰	۵۴	۴۸	۶۳
۱+	۲۰+	۱۰+	۶+	۲+	۷+

۴- میدانید ۷ و ۵ میشود ۱۲ پس ۱۷ و ۵ میشود ۲۲ که اینطور مینویسیم
۱۷
۵+
۲۲

حالا بگوئید ۲۷ و ۵ چند میشود ؟ چطور مینویسیم ؟ همچنین ۳۷ و ۵ ؟ ۶۷ و ۵ ؟

۵- ۱۶ و ۸ چند میشود ؟ میدانیم ۶ و ۸ میشود ۱۴ پس ۱۶ و ۸ میشود ۲۴

حالا بگوئید : ۲۶ و ۸ چند است ؟ ۳۶ و ۸ چند ؟ ۷۶ و ۸ ؟

۶- میدانید ۳ و ۸ میشود ۱۱ حالا بگوئید :

۱۳ و ۸ چند است ؟ ۲۳ و ۸ چند ؟ ۴۳ و ۸ ؟ ۷۳ و ۸ ؟

۷- پرویز میگفت دیروز ۲۶ مسأله حساب حل کرده ام هوشنگ

امانتی را گرفتید پس از رفع احتیاج هرچه زودتر بصاحبش پس بدهید
او هم بنصیحت من گوش داد و از آن ببعد هرچه میخواست باو میدادند

سؤال ۱ـ امانت یعنی چه ؟ فایدهٔ امانت چیست ؟ چرا باید مال دیگران را خوب نگاه داشت ؟
بچه کسانی امانت نمیدهند ؟ شما اگر چیزی از کسی بگیرید آیا آنرا زود پس میدهید ؟ اگر دیر پس بدهید چه میشود !

۲ـ این کلمه ها را پنج بار در دفتر خود بنویسید :

راضی امانت صاحب صاحبش لازم دارید قلم
راستی فقط از آن روز ببعد رفع احتیاج

درس حساب

۱ـ گیتی روز عید از پدرش ۴۵ ریال و از مادرش ۲۸ ریال عیدی گرفت روی هم چند ریال عیدی گرفته است ؟

باید ببینیم ۴۵ ریال و ۲۸ ریال چند ریال میشود

برای اینکه ۴۵ ریال و ۲۸ ریال را جمع کنیم ۲۸ را زیر ۴۵ می نویسیم

بطوریکه ۸ زیر ۵ و ۲ زیر ۴ باشد اینطور

$$\begin{array}{r} 45 \\ +28 \\ \hline 73 \end{array}$$

۸	۴۰	۶۹	۲۷	۸۷	۵۱	۳۵
+	+۸	+۴	+۵	+۴	+۹	+۹

۹- دوشنبه پانزدهم ماه بود دوشنبهٔ بعد چندم میشود؟ دوشنبهٔ پیش چندم بوده است؟ اگر جمعه نوزدهم ماه باشد جمعهٔ بعد چندم ماه میشود

امانت و درستی

روزی آموزگار بشاگردان کلاس خود گفت راستی بچه ها من از شما راضی هستم زیرا می بینم هریک از شما چیزی از رفیقش میگیرد آنرا پاکیزه نگاه میدارد و وقتی کارش تمام شد زود پس میدهد پارسال هم تمام شاگردان این کلاس مثل شما بودند. فقط یکی از آنان بود که وقتی چیزی از کسی بامانت میگرفت آنقدر آنرا نزد خود نگاه میداشت تا صاحبش بیاید و از او بخواهد. بدین سبب هر وقت چیزی میخواست دیگر کسی باو نمیداد روزی من باو گفتم اگر میخواهید چیزی را که لازم دارید دیگران از روی میل بشما بدهند باید عادت کنید

چند ریال پس انداز کرده است ؟

۶ـ پدرم برای من یک جفت کفش به ۷۵ ریال و دو جفت جوراب به ۱۶ ریال خرید پدرم چند ریال برای کفش و جوراب من داده است ؟

ایران

ماگلهای خندانیم   فرزندان ایرانیم
ایران پاک خودرا   مانند جان میدانیم
ما باید دانا باشیم   هشیار و بینا باشیم
از بهر حفظ ایران   باید توانا باشیم
آباد باشی ای ایران   آزاد باشی ای ایران
از ما فرزندان خود   دلشاد باشی ای ایران

درس حساب

۱ـ ۶۵ ریال و ۲۵ ریال چند ریال میشود ؟

برای اینکه بفهمیم ۶۵ ریال و ۲۵ ریال چند ریال میشود ۶۵ را

اوّل ۵ و ۸ را جمع میکنیم میگوئیم ۱۳ ۳ را زیر ۸ مینویسیم و میگوئیم ۱۰ ابریک ۱ را با ۴ و ۲ جمع میکنیم میگوئیم ۵ ، ۷ ۷ را زیر ۲ مینویسیم پس حاصل جمع ۴۵ و ۲۸ میشود ۷۳ یعنی گیتی ۷۳ ریال عیدی گرفته است

۲- جمع کنید :

۲۷ +۲۵	۴۳ +۲۹	۵۷ +۱۵	۶۶ +۲۵	۲۸ +۴۵	۳۹ +۵۴
۱۳ +۶۸	۲۸ +۲۸	۳۷ +۴۷	۱۸ +۳۹	۲۶ +۳۵	۳۹ +۳۹
۳۴ +۵۹	۷۸ +۱۶	۴۴ +۳۸	۲۶ +۴۶	۷۶ +۱۷	۲۸ +۳۷

۳- حسین دیروز ۲۷ صفحه از کتاب خود را خوانده و امروز ۳۹ صفحهٔ آن را . دیروز و امروز روی هم چند صفحه خوانده است ؟

۴- احمد روز پنجشنبه ۲۵ سطر مشق کرده است و روز جمعه ۳۷ سطر در این دو روز چند سطر مشق کرده است ؟

۵- پدر علی هفتهٔ پیش ۵۷ ریال پس انداز کرده و در این هفته ۳۸ ریال در این دو هفته

۵ - پروین میگفت من دیشب در ۴۵ دقیقه تکلیفهای کلاس را انجام دادم نسرین با وگفت من ۱۵ دقیقه بیشتر کار کردم نسرین چند دقیقه کار کرد ؟

مدرسه بازی

پرویز : بچه ها بیائید بازی کنیم

جمشید : چه بازیی بکنیم ؟

منصور : مدرسه بازی

بچه ها : بسیار خوب مدرسه بازی میکنیم . منصور آموزگار بشود و از ما درس بپرسد .

منصور : پرویز ، شما بگوئید شبانه روز چند ساعت است ؟

پرویز : شبانه روز بیست و چهار ساعت است .

منصور : آفرین ، پرویز درسش را خوب میداند نمره اش بیست است .

با ۲۵ جمع میکنیم ۲۵ را زیر ۶۵ طوری مینویسیم که ۵ زیر ۵ و ۲ زیر ۶ باشد اینطور $\frac{\substack{۶۵\\۲۵}}{۹۰}$ اوّل ۵ و ۵ را جمع میکنیم میشود ۱۰ که صفر آنرا زیر ۵ مینویسیم و میگوئیم ۱۰ بر یک بعد ۱ را با ۶ و ۲ جمع میکنیم و میگوئیم ۹، ۴ ۹ را زیر ۲ مینویسیم پس حاصل جمع ۶۵ ریال و ۲۵ ریال میشود ۹۰ ریال

۲- جمع کنید : (*)

۳۸ +۳۲	۴۴ +۱۶	۱۵ +۳۵	۷۲ +۱۸	۳۶ +۱۴	۴۳ +۲۷
۵۳ +۳۷	۳۹ +۳۱	۴۵ +۴۵	۱۹ +۲۱	۶۷ +۲۳	۸۲ +۸

۳- کلاس اوّل دبستانی ۳۶ شاگرد دارد و کلاس دوّم آن ۲۴ شاگرد این دو کلاس چند شاگرد دارد ؟

۴- فرّخ میخواست بداند دفتر پاکنویس حسابش چند صفحه دارد میدانست ۱۷ صفحهٔ آنرا نوشته است و دید ۲۳ صفحه سفید دارد دفتر فرّخ چند صفحه دارد ؟

(*) آموزگاران سعی کنند که شاگردان این قبیل جمعها را حتی المقدور در ذهن انجام دهند .

منصور : محمود هم درسش را خوب میداند نمرهٔ او هم بیست است

حالا یک سؤال دیگر از جمشید میکنم .

جمشید شما بگوئید سال چند فصل دارد ؟

جمشید : سال چهار فصل دارد : بهار ، تابستان ، پائیز ، زمستان

منصور : جمشید یک سؤال را خوب جواب داد یکی را خوب

جواب نداد . نمرهٔ جمشید ده است امّا نمرهٔ او را دوازده هم میدهم

تا همیشه دوازده ماه را بیاد داشته باشد

درس حساب

۱- محمود از دکان نوشت افزار فروشی یک کتاب خرید به

۸ ریال و یک دفتر به ۳ ریال و یک مداد به ۱/۲ ریال چند ریال خرج

کرده است ؟

برای اینکه بفهمیم محمود چند ریال خرج کرده است باید ۸ ریال و ۳ ریال

ناصر شما روزهای هفته را بشمارید .

ناصر: شنبه ، یکشنبه ، دوشنبه ، سه شنبه ، چهارشنبه ، پنجشنبه
جمعه .

منصور: بسیارخوب ، ناصرهم درسش را خوب میداند بیت
جمشید شما اسم ماههارا بگوئید .

جمشید: فروردین اردیبهشت خرداد ؛ فروردین اردیبهشت
خرداد ؛ آقای آموزگار دیگر یادم نیست .

منصور: جمشید درسش را خوب نمیداند .
محمود ، شما بگوئید سال چند ماه دارد ؟

محمود: سال دوازده ماه دارد : فروردین ، اردیبهشت ،
خرداد ، تیر ، مرداد ، شهریور ، مهر ، آبان ، آذر ، دی
بهمن ، اسفند .

۳ـ کلاس اول یک دبستان چهار کلاسه ۳۴ نفر شاگرد دارد، کلاس دوم آن ۲۸ شاگرد، کلاس سوم آن ۳۱ شاگرد و کلاس چهارمش ۲۵ شاگرد. این دبستان چند شاگرد دارد ؟

عدد ها را زیر هم مینویسیم اینطور :

```
 ۳۴
+۲۸
+۳۱
+۲۵
----
 ۱۱۸
```

اول عدد های ستون راست را جمع میکنیم میگوئیم ۱۲، ۱۳، ۱۸ ۸ را زیر ۵ مینویسیم میگوئیم ۱ ابریک ۱ را با عدد های ستون چپ جمع میکنیم میگوئیم ۴، ۶، ۹، ۱۱ ۱۱ را سمت چپ ۸ مینویسیم. پس حاصل جمع این چهار عدد میشود ۱۱۸ یعنی این دبستان ۱۱۸ شاگرد دارد

۴ـ عدد های هر ستون را جمع کنید :

۲۷	۱۲	۳۲	۱۳	۴۲	۵۴
۳۱	۲۳	۳۸	۲۵	۲۹	۱۵
۴	۳۱	۱۵	۱۷	۱۶	۴۷
۲۶	۲۹	۲۱	۲۴	۲۲	۳

و ۱ ریال را جمع کنیم یعنی ببینیم ۸ و ۳ و ۱ میشود چند؟ آنها را ته یک

ستون زیر هم مینویسیم اینطور. ۸ +۳ +۱ بعد میگوئیم ۱۱، ۱۲، ۱۲ را

زیر خط طوری مینویسیم که ۲ زیر ۱ واقع شود ۸ +۳ +۱ ۱۲ پس محمود ۱۲ ریال

خرج کرده است.

در جمع عددهای ۸ و ۳ و ۱ میتوانید از پائین ببالا جمع کنید در اینصورت

باید بگوئید ۴، ۱۲ می بینید که حاصل جمع همان ۱۲ است

۲- جمع کنید هم از بالا بپائین و هم از پائین ببالا

۴ +۹ +۵	۵ +۸ +۶	۳ +۹ +۸	۶ +۶ +۶	۴ +۷ +۹	۶ +۸ +۳
۲ +۹ +۸	۸ +۸ +۳	۹ +۹ +۲	۷ +۷ +۳	۴ +۶ +۷	۵ +۵ +۵
۳ +۷ +۹	۶ +۹ +۳	۷ +۸ +۵	۶ +۷ +۶	۹ +۵ +۵	۶ +۸ +۵
۶ +۸ +۴ +۲	۹ +۵ +۷ +۶	۴ +۵ +۶ +۷	۵ +۷ +۳ +۳	۸ +۴ +۶ +۳	۷ +۲ +۴ +۷

فهرست مطالب کتاب دوم ابتدائی

۳۵	۲۷	۱۶	۴۸	۷۵	۴۴
۲۷	۴۳	۴۴	۱۳	۹	۳۷
۳۶	۳۹	۳۸	۲۷	۳۶	۱۸

۱۹	۲۸	۴۲	۵۸	۲۷	۴۳
۲۳	۴۴	۲۹	۳۷	۱۸	۳۹
۳۳	۲۴	۳۷	۳۴	۳۴	۲۵

۵- حمید از دکان سقط فروشی ۱۵ ریال لپه ، ۱۲ ریال برنج و ۱۹ ریال قند و چای خرید چند ریال بقال داد ؟

۶- حسین کتابی خریده و ۵۷ صفحه از آن را خوانده است و میگوید اگر امروز بتوانم ۲۵ صفحهٔ دیگر بخوانم ۱۲ صفحه از آن باقی میماند کتابش چند صفحه دا

۷- خرج خانهٔ علی روز شنبه ۳۵ ریال ، روز یکشنبه ۲۷ ریال و روز دوشنبه ۴۰ ریال بوده است در این سه روز چند ریال خرج خانهٔ علی بوده است ؟

نصیحت

در کوچه چو میروی بمکتب — معقول گذر کن و مؤدب
چون با ادب و تمیز باشی — نزد همه کس عزیز باشی

۱۳۳۰

بخط سید حسن میرخانی فرزند مرحوم آقا سید مرتضی خوشنویس داد